

# امام، با پیام وحدت برای مبارزه با آمریکا، آمد

امام آمد

این دو واژه، این جمله کوتاه، که امروز ۴ سال از مخابره آن میگذرد، خود به تمامی یک تاریخ است. روز ۱۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷، سالی که رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهان ایران واژگون شد. سالی که خلق از شقایق زار خون شهسادی خویش چون تنی واحد برخواست و نابودی طاغوت و امپریالیسم را فریاد کرد. سالی که رهبر انقلاب ایران، امام خلق شد. استقبال شور انگیز ملیونها نفر از امام خمینی که خبرنگاران خارجی آنرا بزرگترین استقبال تاریخ خوانده اند، نمایش صمیمانه و آرزوی وسیعترین توده های مردم برای بحاک سپردن یک عصر و تهنیت به عصر جدیدی بود که بسر دروازه تاریخی آن مشعلهای آزادی زبانه میکشید. استقبال حماسه آوار مردم، استقبال عظیم عشاکن از نظامی بود که میبایست جایگزین نظم زنگ زده و خونین سلطنتی شود، زندانها و شکنجه گاهها را برچیند، به عاثر و سلطه بی رویه و آمیخته به تحقیر امپریالیسم پایان دهد، طراران و میرقصها و بغماگران داخلی را به دادگاه عدالت خلق بکشاند و راه را برای ساختن و پرداختن ایرانی مستقل و آزاد و شکوفان بگشاید.

امام خمینی بزرگوار شهیدان گلگون کفن بهشت زهرا، این آرزو و ایمان ملی و مردمی را تفسیر کرد:

"فقط قدم اول پیروزی را برداشته ایم، ولی قدمهای بزرگتری در پیش داریم".  
 سرآغاز مرحله جدیدی از جنبش انقلابی ما فرا رسید که عبارت بود از ایجاد یک نظام تازه، نظام جمهوری اسلامی با سه هدف عمده: آن به گونه ای که امام خمینی برای جمهوری اسلامی همیشه معین کرده اند یعنی استقلال همه جانبه کشور (استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی) و آزادی برای همه مجرمان جامعه ما و تأمین عدالت اجتماعی بسود مجرمان و لحام زدن به غارتگری غارتگران. اکنون ما با تکیه بر سه ستون رهبر انقلاب نشان میدهیم که امام بقیه در صفحه ۱۴



جمعه ۱۵ بهمن ۱۳۶۱ مطابق ۲۰ ربیع الآخر ۱۳۸۲  
 شماره ۴ - دوره ۱  
 سال اول - شماره ۲۷  
 بهمن ۱۳۸۲ - ۴۰۰ هزار سال

## چه کسی به مسابقه تسلیحاتی دامن می زند؟

موشک "بالدار" (با برد ۲۵۰۰ کیلومتر، قابلیت تغییر مسیر پرواز و کلاهک اتمی بقدرت ۲۰۰ کیلو تن)، میباید با چنین سیستمی میبایست امکان ضربه اول اتمی از خاک اروپای غربی فراهم آید. ۲- ناوهای جنگی "یسو" حامل موشکهای بزرگ "تراژیدنت"، که در حال حاضر نمونه آن بنام "باواهیو" بخدمت گرفته شده است. قرار است تا سال ۱۹۹۰ از این نوع ناو ۱۲ فروند آماده شود که هر یک از ابتدا دارای ۲۴ موشک "تراژیدنت ۱" بقیه در صفحه ۳

سیستمهای جدید تسلیحاتی که قرار است از طرف ایالات متحده آمریکا، برای پیبردستی در وارد کردن "ضربه اول اتمی"، تا سال ۱۹۹۰ بخدمت گرفته شود، به تفسیر زیر است:  
 ۱- موشکهای اتمی میان برد در اروپای غربی که شروع استقرار آنها برای پائیز ۱۹۸۳ در نظر گرفته شده است. این سیستم شامل ۱۰۸ موشک میان برد "پرشینگ ۲" (با برد ۲۵۰۰ کیلومتر، کلاهک اتمی بقدرت ۵۰ کیلو تن، سیستم هدایت دقیق و امکان تعبیه چندین کلاهک اتمی) و ۶۶۴

## پیش "هادر مقابل هم زحمتکار چه وقت و چگونه از حق نپذیرفتن پیشی های مخالف منافع خود برخوردار می شوند؟

در روزهای پایان چهارمین سال پس از پیروزی انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی مردم ما به رهبری امام خمینی، تیرد طبقاتی در جامعه انقلابی ما عریان تر و چشمگیرتر از هر زمانی خود را ارائه می کند. دو خطر روشنی که مواضع "پیشی" آن ها را می توان در گفتار حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه ۲ بهمن به زلالی تشخیص داد، بر سر حفظ منافع طبقاتی خود یا فشاری می کنند.

حجت الاسلام رفسنجانی می گوید "۰۰۰ یک اختلافاتی است که توی درس ها، توی بحث ها، توی اظهار نظر ها، توی پیشی ها وجود دارد... وی علت این "اختلاف پیشی ها" را در آن می داند که "افرادی هستند که بخاطر ارتباطاتی که داشته اند و شناختی که از جامعه دارند، و ارتباطاتی که با طبقات ضعیف داشته اند (ویسا از طبقات استثمار شده برخاسته اند)، پیشی های شدید مبارزه یا سرمایه داری دارند، (اما) افراد (هم) هستند که در این حد، یک مقدار تعدیل شده تر هستند..."

دلیل این "تعدیل شدت تر" ها در واقع ویسا منطق گفتار بالا چیزی نیست، مگر "ارتباطی که (گروه دوم) با طبقات غیر ضعیف داشته است و یا خاستگاه طبقاتی این "افراد" از طبقات مستکبر و صاحب سرمایه و مال است. در مورد همین افراد، که در ارگانهای مقلنه و دولتی و قضائی جمهوری اسلامی ایران حضور دارند، رفیق کیانوری می گوید آنها یا خود سرمایه دارند و یا مالکند و یا خانواده سرمایه بقیه در صفحه ۲

## رسوخ اقتصادی از طریق واسطه ها - یک تاکتیک امپریالیستی:

کند آنان بدین ترتیب توانستند فشار اقتصادی و تورم داخلی را شدت بخشند. در این رابطه، سیاست غرب نگر لیبرالها و عوامل نفوذی بسته اجرای این نقشه امپریالیستی کمک شایانی کرد. اگر زمانی بنی صدر و اعراب و انصار لیبرالی و ضد انقلاب مجریان این سیاست بودند، پس از شکست این مشی ضد انقلابی و ضد مردمی و بد نبال عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری محافل ممیسنی میکوشند بر بنیاد برخی تصورات نادرست در زمینه دوستان و دشمنان انقلاب، کشورهای نظیر ترکیه و پاکستان را جایگزین "جهان دوم" یعنی ژاپن و اروپای غربی که بنی صدر اینهمه در باره مزیت بقیه در صفحه ۱۵

امپریالیسم جهانی، انبانی از توطئه علیه انقلابها رهائی بخش ضد امپریالیستی در زراد خانه خود دارد. مثلا در کشور ما، بد نبال انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ و ویژه پس از تسخیر لانه جاسوسی تحریم اقتصادی ایران از سوی کشورهای امپریالیستی آغاز شد. اما این تنها یک روی سکه بود. روی دیگر این سکه، تلاش امپریالیسم برای حفظ بازارهای خود در ایران، سود ببری بیشتر و حضور غیر مستقیم در اقتصاد کشور ما بود. نتیجه این سیاست این بود که امپریالیستها در عین حفظ بازار چند میلیارد دلاری خود، موجباتی فراهم کردند که ایران ناچار کالاهای آنها را به قیمت درانتر از طریق کشورها یا مؤسسات دلال تهیه

# بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته ای

# "بیش" ها در مقابل هم

بقیه از صفحه ۱

دار و مالک دارند و یا با بند هائی با سرمایه داران و مالکین مربوط هستند .

رئیس مجلس شورای اسلامی وجود این اختلافات را در مجلس و در شورای نگهبان مورد تأیید قرار می دهد و می گوید : " هیچ تردیدی هم نداریم که در مواردی ، اختلاف ... مجلس هم هست . در شورای نگهبان هم هست . وی با اشاره به این که " جامعه ما ، که اجتهاد زنده دارد ، اجتهاد آزاد دارد ، به مجتهد حق عمل کردن نظر خودش را میدهند ، به مقلد حق پذیرفتن نظر مجتهدین را می دهند . " به دفاع از پیش شرط تحقق " حق مجتهد " و " حق مقلد " ، که وجود " محیط آزاد " و " حق اظهار نظر " در جامعه است می پردازد و نتیجه می گیرد ، که از این طریق " آزادی سیاسی و اجتماعی " تأمین می شود . از این طریق به جامعه اجازه داده می شود ، با امنیت خاطر و آرامش خاطر مطالبش را مطرح بکند و مردم می توانند در محیط آزاد زندگی بکنند . . . . "

متأسفانه اما باید تأکید کرد ، که واقعیت در مبین انقلابی ما به نحو دیگری عرض اندام می کند . به علت زلزله و عدم قاطعیت در تصویب و اجرای قانون احزاب و عدم بافشاری برای اجرا واقعی اعلامیه ده ماده ای دادستانی جمهوری اسلامی ایران در مورد فعالیت آزاد سیاسی احزاب و گروههای غیر محارب " آزادی سیاسی و اجتماعی " برای دگراندیشان مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، برخلاف حق قانونی آنها و تأکید مداوم مسئولین درجه اول جمهوری و دولتمردان پیرو راستین خط امام ، هر روز کمتر وجود دارد . نشریات حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) بدون هرگونه سبزه قانونی توقیف شده اند و یا اجازه انتشار نمی یابند . جلوی انتشار جزوات پرشش و پاسخ رفیق کیانوری نیز از ۱۶ آذر ۱۳۶۱ گرفته شده است .

دفاع حجت الاسلام رفسنجانی از " آزادی های سیاسی و اجتماعی " و واقعیت حاکم مخالف این اظهارات بر جامعه انقلابی ما نیز خود بیان دیگری از این نبرد طبقاتی در مبین ما است .

به این ترتیب و با آنچه که حجت الاسلام رفسنجانی در این نماز جمعه اظهار داشت دیگر برای کم باورترین فرد هم تردیدی وجود ندارد ، که در مبین انقلابی ما " اختلاف بیش" ها و مواضع بین خط امام و خط راستگرایی مخالف آن ، که بیان کننده واقعیت نبرد طبقاتی در جامعه است ، وجود دارد و مهر خود را بر سر نوشت انقلاب می زند .

این " اختلاف بیش" ها ، که این روزها با رد قوانینی که به نفع تحولات بنیادی به سود زحمت کشان مبین ما توسط شورای نگهبان تبلور می یابد ، همان طور که در خطبه نماز جمعه ۲ بهمن تظاهر کرد ، بحث وسیعی را بین انقلابیون و خلق ایثارگر موجب شده است .

بحث بر سر این است ، که انقلاب ضد امپریالیستی

و خلقی مردم مبین ما ، که به گفته آیت الله شهید بهشتی ماهیت " ضد سرمایه داری و ضد فئودالی " دارد ، چگونه و به دست چه کسانی به پیروزی رسیده است ؟

آیا جانبازی ها و فداکاری ها را آنهایی از خود برورز داده اند ، که در ارتباط با طبقات ضعیف بودند و هستند ؟ آیا خنجه های سیر کوچه ها و بازارها برای فرزندان طبقات مستضعف برپا نشد ماند و بهشت زهرا ها لاله زار شهدای طبقاتی نیستند که بیش های شدید مبارزه با سرمایه داری دارند ؟ و آیا این لاله های خونین از خانواده ها و طبقاتی هستند ، که به خاطر تحولات طبقاتیشان " یک مقدار تعدیل شده تر هستند " ؟

امام خمینی رهبر انقلاب بارها اعلام کرده اند ، که نه خونی از دماغ سرمایه داران در جریان انقلاب ریخته شد و نه شهیدی در جبهه های جنگ از خانواده مستکبران و سرمایه داران بر زمین خونین وطن افتاد ! نه محرومیتی را سرمایه داران تحمل کردند و نه باری از دوش خلق برداشته اند . درست برعکس عمل کرد تبهکارانه " تروریست های اقتصادی " فریاد خشمگین خلق را از زبان گویای رهبر انقلاب به گوش همه رسانده است !

خلق ایثارگر ، که برای پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری و ضد فئودالی جان خود را و مال خود را فدا کرده است ، خلقی که بیش از دو سال در دفاع از مبین انقلاب در جبهه های جنگ و در پشت جبهه فداکارانه از حق حاکمیت خود دفاع می کند ، در کجسا و چگونه از " مجتهدینی " پیروی کرده است ، که مخالف براندازی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی هستند ؟

کدام اعلامیه ، کدام نامه دستجمعی با امضا و جای انگشت پینه بدستان و کدام قطعنامه کارگران ، دهقانان ، نمازگزاران و نظامیان کنندگان وجود دارد ، که مخالف دولتی شدن بازرگانی خارجی ، مخالف تقسیم اراضی بزرگ مالکان و ملی شدن اراضی شهری ، بوده باشد ؟ کدام زحمتکشی با مصادره اموال غارتگران فراری مخالفت کرده است ، که قانون آن را شورای نگهبان رد می کند ؟

کدام کفن پوشی با پای پیاده از اقصای نقاط کشور به سوی تهران به راه افتاده است تا از تصمیمات فوق الذکر شورای نگهبان به نفع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دفاع کند ؟ ، آنطور که در زمان خود از غل حماسه آفرین دانشجویان پیروی خط امام در تسخیر جاسوس خانه امریکا انجام شد ؟

بحث بر سر این نیست ، که " اختلاف بیش" در جامعه طبقاتی غیر طبیعی است ! درست برعکس ، باید در تأیید نظر حجت الاسلام رفسنجانی گفت ، که " انسان ( در جامعه ) طبقاتی " بدون اختلاف نمی تواند باشد . . . . بحث بر سر این است ، که چگونه ممکن است ، که

در جامعه انقلابی ما ، که انقلاب اول را علیه رژیم دیکتاتوری سیاه محمد رضا انجام داد و انقلاب دوم را علیه حامیان امپریالیست این رژیم برپا ساخت و آمریکا را " دشمن اصلی " نامید ، جامعه ای که فریادش بر سر " تروریست های اقتصادی " به گوش رسیده است ، جامعه ای که می خواهد " انقلاب کوخ نشینان علیه کساح نشینان " را به جهان عرضه کند ، بحث بر سر این است ، که در چنین جامعه ای چگونه ممکن است ، که حامیان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی مواضع کلیدی در نهاد های قانون گذاری و اجرائی و قضائی را در اختیار خود بگیرند ؟

بحث بر سر این است ، که چرا " مقلدین " نمی توانند از حق " نپذیرفتن " نظر مجتهدین هوادار کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی برخوردار دار باشند ؟

بحث بر سر این است ، که " مجتهدین " مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی با رسالت از کدام اهداف انقلاب به تحمیل " بیش" خود به خلق می پردازند و از زبان آیت الله خزعلی در یکی از نمازهای جمعه اخیر اعلام می کنند ، که آنها هیچ قانونی را که برخلاف " موازین شرعی " ( اسلام سرمایه داران ) باشد ، مورد تأیید قرار نمی دهند ؟

بحث بر سر این است ، که مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی با کدام رسالت خواست خلق را و رهبران اسلام انقلابی را برای تحقق عدالت اجتماعی ، خواستی که بر پرچم خونین انقلاب برای همیشه حک شده است ، نمی می کنند ؟ و یا شانتاز ضد کمونیستی و به قول حجت الاسلام رفسنجانی " آن یکی " را که " از ضعف حرف می زند ، از گرفتن حقوق ضحفا حرف می زند " به نام توده ای زیر فشار قرار می دهند و مجبور به سکوت می سازند ؟

بحث بر سر این نیست ، که در جامعه طبقاتی اختلاف " بیش" غیر طبیعی است ! بحث بر سر آن است ، که نظر کدام " بیش" حق است ؟ نظر کدام " بیش" از منافع اکثریت مطلق خلق ، که به گفته شهید بهشتی نزدیک به تمام سی و پنج میلیون نفر از مردم مبین ما را در بر می گیرد ، دفاع می کند ؟

بحث بر سر این است ، که چگونه مدافعان این اقلیت مطلق در مراجع تصمیم گیری و اجرائی به اکثریت تبدیل می شوند و قادرند منافع زحمتکشان و مستضعفان را پایمال سازند ؟

و بالاخره بحث بر سر آن است ، که آیا با وجود " بیش" های مخالف و متضاد با بیش خط اسلام امام خمینی ، که پرچم انقلاب کوخ نشینان علیه کساح نشینان را برافراشته است ، در مراجع تصمیم گیری ، می توان منافع کوخ نشینان را تضمین کرد ؟ ، عدالت اجتماعی را به نفع کوخ نشینان برقرار ساخت ؟ اهداف انقلاب " ضد سرمایه داری و ضد فئودالی " ( شهید بهشتی ) را تحقق بخشید ؟ زمین به دهقانان پینه بد دست داد ؟ بند به دست غارتگری " تروریست های اقتصادی " زد ؟ قانون را حاکم ساخت ؟ لیستی به نظر ما بلی ، به شرط آن که اهداف ضد امپریالیستی ضد سرمایه داری و ضد فئودالی و آزادیخواهانه

## چند نقل قول افشاگر

"ما اگر مذاکرات با روسها را آغاز نکنیم، غیرممکن بود که همیمانان خود را مجبور بسازیم قبول استقرار موشکها در اراضی خود سازیم. جنبش ضد جنگ در اروپا همچنان در حال رشد است و میتواند تحقق تعمیم ناتو در سال ۱۹۷۸ در باره استقرار موشکهای میانبرد را به خطر اندازد. تحت این شرایط لازم بود که برای همیمانانمان این تعهد ایجاد شود که ما جدا خواهان پیشرفت در مذاکرات تحدید سلاحها اتمی هستیم."

(ریچارد برت، معاون وزیر امور خارجه آمریکا، اول سپتامبر ۱۹۸۲)

"این واقعیتی است، اگر چه بدشگون و وحشتناک برای جهان، که در جنگ احتمالی که فقط در اروپا بوقوع خواهد پیوست، امکان استفاده از سلاحهای اتمی وجود دارد." (وزیر دفاع آمریکا، کاسپار واین برگر، صاحبه تلویزیونی ۲۷ اکتبر ۱۹۸۲)

"ایالات متحده باید نقشهای برای نابودی اتحاد شوروی تهیه کند، که امکان بازسازی آمریکا را سد نکند. واشنگتن باید هدفهای جنگی را مشخص سازد، که در آن نابودی قدرت سیاسی اتحاد شوروی و ایجاد نظم دوران پس از جنگ در جهان گنجانده شود، نظمی که بسا اصول غربی همساز باشد."

(ک. گری، مدیر مطالعات امنیت ملی استثنوی هودسون و مشاور نژدیک رئیس جمهور آمریکا)

## چه کسی به مسابقه تسلیحاتی دامن می زند؟

بقیه از صفحه ۱

"کروز" در برنامه تدوین شده پنتاگون تجهیز ۱۷۲ فروند بمب افکن استراتژیک "ب ۵۲" با موشکهای "کروز" در نظر گرفته شده که قرار است ۹۶ فروند بمب افکن "ب ۵۲" دیگر نیز بسا موشکهای "بالدار" و "کروز" تجهیز شوند.

۶- بمب افکن جدید استراتژیک "ب ۱" که قرار است ۱۵ فروند آن تا سال ۱۹۸۶ آماده شود هر فروند از این نوع بمب افکنها مجهز به ۳۰ موشک بالدار خواهد بود. "ب ۱" تکامل پروژه بمب افکنهای بین قاره‌ای با برد ۹۸۰۰ کیلومتر و قابلیت حمل ۳۴ تن می باشد.

۷- بمب افکنهای استراتژیک "استلیت" که قرار است در دهه ۹۰ جایگزین ۱۵۰ فروند بمب افکن "ب ۵۲" شود. سیستمهای تدافعی زمین بهیوای موجود، قابلیت دفع حملات چنین بمب افکنهایی را ندارند.

(با برد ۷۴۰۰ کیلومتر، کلاهک قابل پرتاب اتمی هر یک بقدرت ۱۰۰ کیلو تن) و بعدها مجهز به موشکهای "تراپدنت ۲" خواهند بود.

۳- موشکهای بالیستیکی بین قاره‌ای "ام ۱۰ ایکس" که ۱۰۰ نمونه از آن برای ضربه اول اتمی در حال حاضر نیز در نظر گرفته شده است (موشکهای "ام ۱۰ ایکس" دارای برد ۱۱۰۰۰ کیلومتر و ۱۰ کلاهک قابل پرتاب اتمی هر یک بقدرت ۶۰۰ کیلو تن می باشد)

۴- موشکهای بالیستیکی "تراپدنت ۲" که سیستم آن با موشکهای "ام ۱۰ ایکس" قابل قیاس است. این سیستم در ضمن میتواند بروی کشتی های جنگی تعبیه شود و دارای ۱۱۰۰۰ کیلومتر برد و ۱۴ کلاهک قابل پرتاب اتمی، هر یک بقدرت ۱۵۰ کیلو تن می باشد.

۵- تجهیز بمب افکنهای استراتژیک با موشکهای

چه کسی صلح جهانی را تهدید میکند؟

موضوعگیری کشورهای جهان در قبال مهمترین قطعنامه های سی و هفتمین پنجم مجمع عمومی سازمان ملل متحد							
کشورهای سرمایه داری	اکثریت کشورهای غیرمتحد	ایالات متحده آمریکا	جمهوری فدرال آلمان	انگلستان	فرانسه	قطعنامه	مبتکر
آری	آری	نه	نه	نه	نه	تعهد عدم استفاده از ضربه اول اتمی	کیوسو - جمهوری دمکراتیک آلمان
آری	آری	نه	-	نه	نه	متوقف و ممنوع کردن آزمایشات هسته‌ای	اتحاد شوروی
آری	آری	نه	-	نه	-	متوقف کردن همه آزمایشات هسته‌ای	مکزیک
آری	آری	نه	نه	نه	نه	خلع سلاح اتمی	جمهوری دمکراتیک آلمان اتحاد شوروی
آری	آری	نه	نه	نه	نه	متوقف کردن تولید سلاحهای هسته‌ای	هند
آری	آری	نه	نه	نه	نه	ممنوع کردن سلاح نوترونی	جمهوری دمکراتیک آلمان
آری	آری	نه	-	-	-	ممنوع کردن سلاحهای شیمیایی	جمهوری دمکراتیک آلمان
آری	آری	نه	-	-	-	تعهد دول برای شرکت در مذاکرات صلح	جمهوری دمکراتیک آلمان یوگوسلاوی
آری	آری	نه	نه	نه	نه	تحقق قطعنامه تثبیت امنیت بین المللی	یوگوسلاوی
آری	آری	نه	-	-	-	تحقق حقوق خلق فلسطین	کشورهای عربی
آری	آری	نه	نه	نه	نه	حل بحران خاورمیانه	کشورهای عربی
آری	آری	نه	نه	نه	نه	محکوم نمودن سیاست نژاد پرستی آفریقای جنوبی	شورای ضد آپارتاید سازمان ملل
آری	آری	-	-	-	-	حل مسئله نامیبیا	شورای سازمان ملل برای حل مسئله نامیبیا
آری	آری	نه	نه	نه	نه	محکوم نمودن فعالیتها و نظامی قدرتهای استعماری	شورای استعمارزدایی سازمان ملل

توضیح: خط تیره به معنی رای منتهی است



صلح کار همگان و هر فرد جداگانه است

# چه کسانی از وسیله نایک برای رسیدن به هدف استفاده می کنند

آقای فخرالدین حجازی ، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی فقط در مواقع مدیحه سرایی میزند که عنان کلام را از دست می دهد و با زبان نرم و لحن گیرای خود داد سخن می زند و ملافا تنها امام خمینی را با "شرفیابی" و "برابر تواضع" با مدیحه سرایی اشتباه می کند .

این طور که در اولین ملاقات نمایندگان مجلس شورای اسلامی با امام خمینی پیش آمد و موجب حسد از امام شد ، که همگان را از مدیحه سرایی ، که خیره اخلاق و جان و "اندیشه" و "حقیقت" است ، بر حذر داشتند . آقای فخرالدین حجازی در مواقع فحاشی خیلی بی تاب می شود و اختیار زبان و قلم را از دست می دهد و سرست از پادیه انحصار قلم و رسانه های گروهی حفظ سبحت می کند ، تا آنچه که "حرف روز" است سرهم بندی کند .

متحدان آقای فخرالدین حجازی کسانی هستند که هر روز بیشتر سنگ ها را می بندند و میدان را برای یک بازی "منطق" و "اندیشه" و "حقیقت" این آقایان باز می گذارند ، آنطور که در روزنامه کیهان ۲۷ دیماه ۱۳۶۱ نیز انجام شده است .

آقای حجازی در این مقاله ۱۵۰ سطری خود با بیهم بافتن ایمان و ریسمان و خلط منحنی می گویند "اتحادیه کمونیست ها" را ، که به گفته امام خمینی "کمونیست های آمریکائی" و آمریکا ساخته اند ، به اتحاد شوروی وابسته جلوه دهد ، تا در صحنه مزاج فحاشی و ناسزاگویی "اثبات" کند ، که "بزرگتر هاشان هم که شورسین های نامور تاریخ و جغرافیای جهانند از دیرباز به بن بست رسیده اند" .

برای رسیدن به این هدف هر وسیله ای برای آقای حجازی مجاز است . او که ، از جمله در همین مقاله ، "اطلاعات وسیع خود را در مقولات "روح" و معنی ابدیت و عرفان" و همچنین در مقولات "علمی و تجربی و پوزیتیویسم" و "آزمایش های شیمیائی و بررسیهای فیزیکی و روانشناسی و جامعه شناسی و علم تاریخ" به رخ می کشد و "اسامی "تالس ملطی و دموکریت" تا "ابن مقفع و ابی ایوب العوجا" و بالاخره "نیچس و مارکس و انگلس و ژرژ پولیستر و لنین و مائو و این آقایانی که اکنون بر سر کارند" را به کمک می گیرد و از "تک سلولی" که به "میمون" تبدیل شد ، خبر می دهد ، حتما این اطلاع را هم دارد که "اتحادیه کمونیست ها" ، که شاخه دست "سیا" در "کنفدراسیون" بوده است ، نه فقط ارتباطی با حزب توده ایران ندارد ، بلکه هیچگاه جز دشمنی با کمونیسم و حزب توده ایران و اتحاد شوروی برنامه دیگری نداشته است و اگر عناصر صادقی هم به دام کنفدراسیون چینی ها از قماش سیروس نهاوندی ها و دیگران افتادند ، همانقدر از کمونیسم و سوسیالیسم "چیز" فهمیدند ، که آقای حجازی فهمیده است : هیچ با

از آقای حجازی یا تمام اطلاعات و سیحشان و با معرفی که از او در سیاست و سخنانی گذشته

است ، نمی توان پذیرفت ، که بی خبر باشد ، که "دینی" وجود دارد . بدین عهد ها و پاپ ها - که "ترياك چامعه" است ، "اسلامی" وجود دارد ، که "اسلام آمریکائی" ( امام خمینی ) است ، "کشورهای اسلامی" ای در کره ارض و در همسایگی ایران وجود دارند ، که در آنها اسلام برپا رفته است . همانطور که یزید و شمر بنامی اسلام تیشه به ریشه اسلام می زدند و آنرا بی آبرو و بدنام می ساختند ، "اتحادیه کمونیست ها" هم بهمین منظور در آمریکا سرهم بندی شده است .

آری نمی توان از آقای حجازی قبول کرد ، که از واژه "کمونیست های آمریکائی" ، که امام خمینی به کار برده اند و درست همین "کمونیست ها" ی به "تعیین" گذاشته شده را منظور کرده اند ، بی خبر باشد ! نمی توان قبول کرد که او نداند ، که نطفه "اتحادیه کمونیست ها" را در کنفدراسیون "سیا" بسته است . لذا باید از او با اطلاعات و علم وسیعش کمک خواست ، که چه نامی می توان بر این واقیعت گذاشت ، که آقای حجازی ، که "ایبمه کتب آسمانی و گفتار پیامبران و حکیمان و صلحان" ( را ) مطالعه و بررسی کرده

است ، تویی را که "سیا" برای "سیا" ست بازی به سبب پرتاب کرده است می پذیرد و بیست و توب بازی متخول می شود ؟ آیا در قاموس آقای حجازی "از هر وسیله ای برای رسیدن به هدف" می توان استفاده کرد ؟ حتی وسیله ای که ناپاکی آن بر همه کس روشن باشد ؟ حتی وسیله ای که دست جنایتکار امپریالیسم و "سیا" در اختیار بگذارد ؟ آیا این ماکیاو لیسم ، که او به ناحق به هواداران سوسیالیسم منتسب می کند ، نیست ؟

اما آقای حجازی بدانید ، همان طور که نمی توان با وسائل ناحق و ناپاک و ضد انقلابی به اهداف حق و پاک و انقلابی رسید ، با "کمونیست های آمریکائی" و نمایش "نظریات کج" و معسوج آنها هم نمی توان در توده ستیزی و شوروی - ستیزی پیروز شد . این تجربه تاریخ دهه های اخیر همین ما نیز هست ! اما آقای حجازی مطمئن باشید ، که روزی که بند ها را از سنگ ها بردارند - و این روز خود آمد - خواهید دید ، که همه این تهمت ها و افترا ها ، دشنام ها و بی حرمتی ها ، مدیحه - سرایی ها و لفاظی ها را بر آب نوشته بودید !!

## فایده دو گوش

روزنامه اطلاعات صفحه ای را به کودکان و نوجوانان اختصاص داده است . توجه به کودکان و نوجوانان را باید عمل مثبتی ارزیابی کرد . به کمک این وسیله مهم تبلیغاتی ، یکی از کثیر - الا انتشارترین روزنامه های مجاز کشور ، می توان و باید به راهنمایی و هدایت کودکان و نوجوانان ، که بخش عظیمی از مردم میهنمان را تشکیل می دهند ، در جهت اهداف مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب همت گماشت . آنها را برای بالابردن اطلاعات عمومی خود تشویق کرد و این اطلاعات را در اختیار آنها قرار داد و کوشید تا علاقه آنها را به آموختن و کار خلاق جلب کرد .

این صفحه روزنامه اطلاعات معمولا شامل بخشهای علمی ، داستانهای کودکان ، جدول و سرگرمی و بخش "خنده های بلند" است . در این قسمت معمولا لطیفه هایی برای کودکان و نوجوانان نقل می شود که می توان گفت عمدتاً اشاعه روحیه علم ستیزی ، درس ستیزی ، فرنگرایی و ضد تعاونی رادریین آنان باعث می شود . این لطیفه ها معمولا در مورد مسایل "معلم - شاگرد" است . به نمونه هایی از این لطیفه ها توجه کنید :

معلم : جمشید بگو ببینم چرا خدا به ما دو گوش داده است ؟  
جمشید : برای اینکه درسهای شما را از یک گوش بشنوم و از گوش دیگر درکنیم !  
ویا : علت اخراج

معلم : حسین از کلاس بیرون!  
علی : آقا معلم حسین چه کار کرده که بیرونش می کنید ؟  
معلم : به توجه ربطی داره ؟ می خواهی چه کنی ؟

علی : می خواهم من هم همان کار را بکنم !  
ویا این لطفه به مراتب زیباترتر : "شاگرد زنگ" معلم سر کلاس دستور زبان فارسی به شاگردی گفت تا جمله " من اگر از درخت سیب بکنم ، من آنرا می خورم " را صرف کند . شاگرد سپس از مدتی فکر کردن گفت : " من اگر از درخت سیب بکنم ، من آنرا می خورم " ، " تو اگر از درخت سیب بکنی ، من آنرا می خورم " ، " او اگر از درخت سیب بکند ، من آنرا می خورم " .

آیا این "شاگرد زنگ" انگل صفتی "کاخ نشینان" را توجه نمی کند ؟ آیا اینها یارتایی از آن "وضع فوق العاده دردناکی" نیست که به قول رفیق کیانوری "بر نظام آموزش و پرورش ایران حکمفرمایی می کند ؟ چرا باید صفحات روزنامه را به این گونه تبلیغات اختصاص داد ، که اگر صادقانه هم بیان شوند ، نتیجه ای جز صدمه زدن به اهداف انقلاب در بر ندارند ؟ امام خمینی در بیانات روز ۱۳ دیماه آیه اهمیت تبلیغات یک بار دیگر اشاره کردند .

وقت آن است که خانه تنگانی بکنیم ! سال - گذر انقلاب نزدیک است .

# نظری به مسئله لبنان

واسرائيل ميتواند لبنان را وادار به اهضای يك موافقت نامه صلح جداگانه بكنند ولى باچنين بند- و بست هاى بحران لبنان حل نخواهد شد .

و اما مسئله فلسطين ، تا اينجا از جانب آمريكا و اسرائيل به سكوت برگزار ميشود . البته نبايد اين- طور فهميد كه در زمينه هيچ كارى صورت نمي گيرد . مذاكرات ميان مصر و اسرائيل با وساطت آمريكا در باره باصطلاح " خود مختارى ادارى " فلسطينى ها ، بحال خود رها شده است و دارند بدنيا ل راه حل تازه اى ميگردند . آمريكا آنها ميكوشند حسين شاه اردن را نيز به مذاكرات جداگانه بكشانند و حتى دست به تهديد او زند مانند كه تا فروردين ماه بايد تكليف خود را روشن كند . منظور ، مذاكره در باره نقشه ريگان است كه حل مسئله فلسطين را از طريق نوى اتحاد ميان نوار غزه ، ساحل غزى رود اردن و اردن پيش بينى ميكنند .

البته نقشه ريگان با آنچه كه سازمان آزادى بخش فلسطين پيرامون بز قرارى مناسبات كنفد راسيوني با اردن پيراز تشكيل دولت مستقل

اسرائيل يا وساطت آمريكا آنها درست همين است . آمريكا و اسرائيل به اين مذاكرات بعنوان مقدمه اى حل مسئله اصلى - يعنى فلسطين نگاه ميكنند .

تا اينجا فقط در باره موضوع مذاكرات توافق شده است . پيشرفت قابل ملاحظه هنوز وجود ندارد . زيرا براى لبنان پذيرفتن شرايط اسرائيل ، يعنى تسليم بلا قيد و شرط در حاليكه قسمتى از سرزمينش اشغال شده است دشوار ميباشد .

بايد گفت كه موضوع مذاكرات هم به دولت لبنان تحميل شده است . در آنها مادامى پيرامون مناسبات آينده لبنان و اسرائيل وجود دارد كه در واقع همان خواست اسرائيل يعنى " عادى كردن روابط اسرائيل و لبنان " است كه از آن تحميل

آنطور كه از رويداد ها بر مي آيد ، كار همدار خاور نزديك ، بدان نحو كه دلخواه آمريكا و متحدان اسرائيل اوست پيش نميرود . با اين جهت هر دوى آنها با توسل به جميع وسائل ، از ديپلماسى آرام گرفته تا وعده و وعيد و فشار خشونت آميز و تهديد به استفاده از قوه قهريه ، تلاش ميكنند راه برون رفتى از اين بست بپايند .

هنگاميكه در تابستان امسال ارتش اسرائيل با كمك آمريكا به خاك لبنان هجوم آورد ، طراحان اين تجاوز ميخواستند با يك ضربه نظامى راه را براى حل مسئله فلسطين موافق نمونه كمپ ديويده هموار كنند . و نه فقط اين ، بلكه در نظر داشتند در سراسر خاور نزديك " صلح " مطابق نقشه هساي آمريكا و اسرائيل " را از طريق نابود كردن سازما

بيروت در محاصره ارتش متجاوز اسرائيل سپتامبر ۱۹۸۲



فلسطينى پيشنهاد مي كند تفاوت دارد . نقشه ريگان مهمترين مطلب را كه تشكيل دولت مستقل فلسطينى باشد در خود ندارد . و درست همين ، يعنى حق خلق فلسطين پداشتن ميهن خود و بازگشت به آن نقطه گرهى مشكل خاور نزديك است . اما باصطلاح " جنگ زرگرى " ميان آمريكا و اسرائيل هم وجود دارد . دولت بگين هرگونه حقوقى را براى فلسطينى ها بجز " خودگرداني " فلسطينى هاى ساحل غزى رود اردن و نوار غزه رد مي كند تا اشغال اين سرزمين ها را ابدى سازد . ريگان هم ميكوشد اين درگيرى هاى صلحتى با دوستان اسرائيلى خود را بر طرف كند .

آمريكا و اسرائيلى ها تصور ميكنند كه تحقق اين نقشه ها عملى است . اما كارها آنطور كه دلخواه آنهاست پيش نميرود . خلق عرب فلسطين كه سر به ۴/۵ ميليون تن ميزند و در تبعيد و مناطق اشغالى بسر ميبرد به مرحله درخشاني از شعور ملى رسيده است كه بسختى ميتوان او را در چار- چوب كمپ ديويده گنجاند .

خلق فلسطين براى امر عادلانه اى بيكار مي كند و در اينراه از وسعت ترين پشتيبانى بين المللى و در جاي اول از همسنگى كشور هاى سوسياليستي بر خود اراست .

صلح جداگانه به لبنان را مي فهمند . مسئله اصلى يعنى خروج سربازان خارجى در جاي دوام قسار گرفته است . درست است كه موضوع مذاكرات دو طرف را متعهد نمي كند و هر يك از آنها نيوانتظاير كه مسائل ديگرى هم مورد مذاكرات قرار گيرد . اما اينهم درست چيزى است كه اسرائيل ميخواهد . گفتگو در باره همه چيز بجز خروج سربازان اشغالى اسرائيل از لبنان . و اگر نمى توان اين مسئله حياتى براى لبنان را بگلي بدست فراموشى سپرد لاقبل آنرا در سيلى از مذاكرات غوطهور ساخت . اينرا هم بايد افزود كه اسرائيل از ظرت " سربازان خارجى " بيشتتر سوريها و فلسطينى ها را مي فهمد نه سربازان خودى را . سياستمداران و ژنرالهاى اسرائيلى براين عقیده اند كه لبنان بايد هزينه تجاوزشان به لبنان را بصورت قبول " منطقه امنيت " در لبنان براى اسرائيل بپردازد . موافق نقشه هاى كه دارند منطقه " زير " سلطه " سعد حداد خائن به خلق لبنان و نوكر اسرائيل بايد همين " منطقه امنيت " باشد . همه چيز حاكى از آنست كه اسرائيل ميخواهد وضع نوكرش را در جنوب لبنان مستحكم كند كه اين خود نوعى انضمام جنوب لبنان به خاك اسرائيل است .

تحقق اين نقشه ها كار آسانى نيست . آمريكا

آزادى بخش فلسطين ، كه مانع در راه تحقق اين نقشه هاست ، هموار كنند ، اما نتوانستند . سازمان آزادى بخش فلسطين نابود نشد و بعنوان يك عامل درجه اول كه بدون در نظر گرفتن آن حل مسئله خاور نزديك و از آنهم كتر حل مسئله فلسطين ممكن نيست باقى ماند .

حادثه جويى دستگاه جنگى اسرائيل در لبنان بقصد زدن دو نشان با يك تير طرح ريزى شده بود : نابود كردن سازمان آزادى بخش فلسطين و برقرار كردن حكومتى در لبنان كه گوش بفرمان اسرائيل و ايالات متحده آمريكا باشد ، اما اينرا هم نتوانستند پياده كنند . كسانيكه امروز بر لبنان حكومت ميكنند در مجموع خواهان يك لسبسان اسرائيلى - آمريكائى نيستند بلكه ميكوشند وحدت و تماميت ارضى كشور خود را تا مئين كنند و آنرا بصورت كشورى مستقل در خاور نزديك در آورند .

اكتون لبنان زير فشار و شانتا و از جانب آمريكا و اسرائيل قرار گرفته است تا يك صلح جداگانه را با اين كشور تحميل كنند و آنرا بصورت يكى از اقمار آمريكا - اسرائيل در منطقه در آورند . آنچه را كه تجاوز جنايكارانه اسرائيل نتوانست تحقق بخشد ميخواهند " با وسايل ديپلماتيك " پياده كنند . هدف از باصطلاح مذاكرات لبنان -

# در این میدان اگر پیروز گشتی گویمت گردی وگر بشکستی آنجا زودتر از مرگ خود مردی

پس از ملاقات رجوی با طارق عزیز سقوط رهبری سازمان "مجاهدین" آن چنان سرعتی به خود گرفته است ، که مقالات آماده شده قبل از چاپ کهنه می شوند . اما از آنجا که مقاله حاضر حاوی نکات اطلاعاتی جالبی است ، به چاپ آن اقدام می شود . باشد تا هواداران صادق این خائنین اثر سهمگین خطر را بشنوند .

بعد از اینکه رهبری مجاهدین در آستانه خیانت خود عنان را از دست داد و در مقابل انتقادات منطقی و سوالات مشخص حزب تودمانان به یاوسرای برداخت ، حزب ما بنا بر احساس مسئولیت انقلابی خود تا آخرین مرحله به تلاش خود در جهت نمایاندن واقعیات به سازمان مجاهدین ادامه داد . بیشک تاریخ تلاش حزب ما را برای نگهداری آن نیروهایی که می توانستند در جبهه خلق و طبقه در دشمن خلق قرار گیرند به نیکی در خود محفوظ خواهد داشت . در یکی از این سلسله مقالات که تحت عنوان "مجاهدین در لبه پرتگاه که در نامه مردم" منتشر شد ، حزب ما هشدار داد : "وقت تنگ است ، تاریخ منتظر نمی ماند . مجاهدین اگر امروز از دست بدهند ، فردا را پیش از آنکه فردا برسد باخفتند . مجاهدین که آنهمه از "جامعه بی طبقه" توحیدگرا دم می زدند ، متحدین خود را از میان دشمنان قسم خورده "جامعه بی طبقه" یعنی سرمایه داران لیبرال و یا به قول خود مجاهدین "شبه بیروژاوی ملی روزه وابستگی" برگزیدند . بیعت ستانی شدند که قربانیان خود را از میان صادقترین پشتیبانان انقلاب و محرومان جامعه بر می گردانند ، در حالیکه حمایت دشمنان خلق ها را طلب می کنند (۳)

آنهاست که زمانی در مقابل انتقادات ما از هم - سویی حرکاتشان با ضد انقلابیون فراری ، امثال اویسی ها و بختیارها ، کفایت لب ما را به "شبهت زنی" متهم می کردند ، اکنون دیگر نه تنها در صحنه عمل در حرکات تروریستی و کشتار عناصر بارز خطا ما در جبهه متحد ضد انقلاب مشترکا عمل می کنند ، بلکه تبلیغاتشان را نیز با اویسی ها و بختیارها منطبق ساخته و حتی در ایواشی گری گوی سبقت را از آنها برده اند . همه این شواهد شاید برای بعضی از هواداران صادق این جریان ، عمق این فاجعه را نشان ندهد . لذا باید هنوز نمونه های دیگری هم به این لیست اضافه شود . رهبری مجاهدین در این زمینه کمک میکند : اکنون مدتی است که دیگر نه تنها در اعلامیه های هیواداران مجاهدین خلق در انگلستان از آن شعاع "بنام خدا و خلق قهرمان ایران . . ." که تا این اواخر مزروره مورد استفاده مجاهدین بوده خبری نیست ، بلکه چندی است که جسای خود را به "پرچم سه رنگ" داده است که

اینک در گوشه اعلامیه هایشان به چاپ می رسد . کسانیکه با نشریات ضد انقلابیون فرساری آشنا هستند و احیانا سفری نیز به لندن و گوشه "هاید پارک" کرده باشند می دانند کهنه "پرچم سه رنگ" آرم آن ارتشیان و ساواکیهای قراری است که وطنشان را به جیب آنها پنهان ریختند و در رفتند و اینک هر یکشنبه آنرا در گوشه "هاید پارک" هوا می کنند و به پیساد "اعلیحضرت" شان روزه های عصبی می کشند . پدیدار شدن ناگهانی "پرچم سه رنگ" در اعلامیه های مجاهدین خبر از چه اتحاد نا مقدسی با اویسی ها و نیمپهلوی ها می دهد ؟ اگر ملاقات رضانیمپهلوی در ماه آوریل ۸۲ با ابوالحسن بنی صدر "رئیس جمهور فراریان" و آقای رجوی در پاریس را بنیاد بنیادین راه دوری در گمان خود برقیه ایم . واقعیت این است که مجاهدین کلماتی همچون "جامعه بی طبقه" "توحیدی" ، "امپریالیسم" ، "بنام خدا و خلق" و غیره را از نشریاتشان قلم زد هاند . آنها در هتاک و ایواشی گری هم آنچنان با نشریات ساواکیها و سلطنت طلبان همصدا شده اند که حتی تشخیص این که این جریان روزی صحبت های با ارتزی هم کرده است دشوار می نماید . گمان ما بسیار طبیعی است : پرچم سه رنگ مجاهدین چراغ سبزی است برای نیم پهلوی ها که از مدت ها قبل آماده "خوش آمدگویی" به آقای رجوی بودند . رضانیمپهلوی چندی پیش در مضاحبه با مدیر روزنامه "ایران نیوز" ارگمان فراریان سلطنت طلب ، در پاسخ به این که آیا ایشان حاضرند یا مجاهدین دیدن کنند ، گفت : "چه اشکالی دارد ، اگر آقای رجوی بیایند بنده به او هم خوش آمد خواهم گفت . امروز مجاهدین در پهنه سرزمین و وطنمان ستیزی می کنند . آنها از نظر عقیدتی ممکن است با ما اختلاف هم داشته باشند ، ولی بهر حال آنها دارند مبارزه می کنند و هر کس در این شرایط با رژیم مبارزه کند قابل احترام است . (۵) تجربه دو سال گذشته نشان داده است که رهبری مجاهدین در جاده خیانت بطور دردناکی تاخته است و بعید هم نیست در آینده نزدیکی شاهد چاپ عکس رضانیمپهلوی در گوشه دیگر اعلامیه هایشان باشیم !

رهبری مجاهدین از روزی که به همسراه خلبان شخصی محمد رضا پهلوی به پاریس گریخت و دفتر دستک خود را در کنار سایر ضد انقلابیون رنگارنگ دایر کرد ، خود را در منجلاب خفیه کننده های فروربرد که انتظار این گونه دست و پا زدن های خیانت آمیز را نیسر بایستی می داشت . اگر چه رهبری مجاهدین علی رغم هشدار حزب ما "امروز را از دست داد" و یا به راه انداختن موج تروریسم بخش قابل توجهی از

جوانان صدیق ولی بازی خورده را در خدمت به اهداف امپریالیسم قرار داد ، ولی ما هشدار حزمان را برای آن دسته از این جوانان بازی خورده که هنوز صادقانه در رویای آرمانهای اولیه مجاهدین به دنبال این رهبری خائنین هستند ، تکرار می کنیم : "امروز را از دست ندهید !"

رهبری مجاهدین حتی منتظر رسیدن "فردا" نشد و از موضع ماورا "چپ به دامن راست ترین جناحهای ضد انقلابی در غلطید . این باید درس عبرتی باشد . عاقبت شمشیر کشیدن به روی مردم ، کشتن پاسدار و بسیجی ، کارگر و زحمتکش جنوب شهری و عناصر خطا ما می به گناه پشتیبانان از انقلابشان در مقابل امپریالیسم امریکا ، در آمیختن با دشمن مردم است . رهبری مجاهدین اگر امروز خلق را با خود ندارد ، به جای دشمنان خلق یعنی امریکا ، سد ام ، ساواکیها و سلطنت طلبان را با خود دارد .

- (۱) - نامه مردم شماره ۴۶۸ ، ص ۴
- (۲) - "مجاهد" شماره ۱۱۱ ص ۱۷
- (۳) - مجاهدین در انگلستان درخواست نامه های بخش می کنند که در آن از مردم خواسته می شود که از نخست وزیر (خانم تاچر) و وزیر امور خارجه این کشور بخواهند تا ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی ایران ، از مجاهدین خلق ایران پشتیبانی به عمل آورد .
- (۴) - روزنامه "دیلی اکسپرس" ۵ آوریل ۸۲
- (۵) - "ایران نیوز" ارگان فراریان سلطنت طلب ، ۲۲ فروردین ۶۲ ص ۷

## تصحیح وپوزش

در مقاله "در حاشیه انتشار مجاهد" در خارج از کشور ، شماره ۲۶ ، ستون اول ، سطر ۹ "نظری" اضافی است ، که بدینوسیله تصحیح می شود .

## "بینش" هادر مقابل هم

بقیه از صفحه ۲

انقلاب مسخ نشود . به شرط آن که این اهداف ستاره های راهنمای تصمیم گیری ها باقی بمانند و هر کسی که به مخدوش کردن این اهداف پرداخت از مسئولیت های تصمیم گیری و اجرایی کنار گذاشته شود .

باید در این زمینه واقعا به "مقلدین" حق "نهادیرفتن" آن "بینش" هایش را ، که بسا منافع خلق در تضاد هستند ، داد و از آن ها نظر خواهی کرد !

# کشورهای امپریالیستی با استقلال نامیبیا مخالفند!



سام نوجوما رهبر سوپو

اعزامی خود سپرد. ویلی وان نیکرک دست نزدیک نخست وزیر آفریقای جنوبی و فرماندار کسل جدید نامیبیا و عنصر فعال سازمان فاشیستی "برد ریوند" قرار است در ماه فوریه زمام امور را در دست گیرد و نامیبیا را برای انجام "انتخابات عمومی" بدون شرکت سوپو آماده سازد. طبق برنامه پرتوریا (و البته واینسنگن) سپس باید دولت جدیدی تشکیل شود که اختیارات بسیار زیادتری نسبت بدولت کنونی داشته باشد. ویلی ارتش اشغالی جمهوری نژاد پرست آفریقای جنوبی در نامیبیا زیر کنترل این دولت جدید قرار نخواهد گرفت. روداد های هفته های گذشته بخوبی نشان میدهد که کاملاً این جمهوری آفریقای جنوبی در همکاری نزدیک با ایالات متحده آمریکا زمینه را برای اعلام یکجانبه "استقلال نامیبیا" و انجام انتخابات در چارچوب تنظیم داخلی "و بدون شرکت سوپو آماده می کنند".

بقیه دولت های عضو ناتو هم با اعلام "همکاری سازنده" با مشی جمهوری نژاد پرست و دولت آمریکا میکوشند مانع از استقلال نامیبیا شوند و حل نواستعماری مسئله را به خلق این کشور تحویل کنند. بدین ترتیب بخوبی روشن است که کدام کشورها و به چه علت با آزاد شدن خلق نامیبیا از یوغ استعمار مخالفند.

شدت فاند بهم مربوط کرده و بعد تازمای به مشکل نامیبیا داد فاند. آنها بصورت نوحی اتمام حجت: یا باید سربازان کویاشی از آنگولا خارج شوند و یا اینکه ما مسئله نامیبیا را بدخواه خود حل خواهیم کرد. هدف دستگاه های تبلیغاتی غرب تعلقین کردن این دروغ است که گویا سرچشمه وخامت وضع در این منطقه حضور سربازان کویاشی در آنگولا است و گرنه آمریکا و متحدانش منادی صلح اند و میخواهند مسئله نامیبیا هر چه زودتر حل شود. البته سر و صدای وسایل تبلیغاتی غرب تصادفی نیست. آنها برای "سیاست جدید آمریکا در قاره آفریقا" مرام می کنند که در واقع چیز نوحی نیست اما این دوره کلک ها نمیتواند موجب فریب خلق هائی شود که برای آزادی و استقلال خود پیکار می کنند.

چندی پیش سام نیوما رئیس سوپو تأکید کرد: "ابداعات مقامات رسمی و اینسنگن مبنی بر اینکه گویا حضور سربازان کویاشی در آنگولا امنیت جنوب غربی آفریقا را تهدید می کند کاملاً مزورانه و مضحک است." او افزود: "منبع اصلی وخامت در آنجا سیاست تجار و زارانه نژاد پرستان آفریقای جنوبی علیه آنگولا و دیگر کشورهای مستقل جنوب آفریقا یا پشتیبانی ایالات متحده آمریکا است."

عصر اصلی سیاست کشورهای امپریالیستی برای مسئله نامیبیا باصطلاح "تنظیم داخلی" از طریق استفاده از گروه های مزدور دست نشانده برای وارد کردن آنها در حکومت آینده است. بساط خیمه شب بازی "شورای وزیران" به رهبری دیرک ماج زمین دار سفید پوست و برخی روسای مزدور قبایل را عطیحات غربی به ثوابه نمایندگانش خلق میکوشند جا بزنند. اما طی زمان، بر اثر موافقت های سیاسی نظامی سوپو معلوم شد که این عروسکها قادر به تأمین هیچگونه پشتیبانی از جانب خلق نیستند. حتی پیتر بوت رئیس جمهور آفریقای جنوبی که سر نخ این عروسکها را در دست داشت مجبور شد اعلام کند که از آنها کباری ساخته نیست و باید درصد یافتن متحدانی با شانس بیشتر بود. او "شورای وزیران" را برکنار کرد و حکومت را مستقیماً بدست فرماندار کل

قطعنامه شماره ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد راه حل معقولی برای پایان دادن به جنگ استعماری در این سرزمین را معین کرده است. اعلام آتش بس، آزاد کردن همه زندانیان سیاسی و انجام انتخابات آزاد زیر نظر سازمان ملل متحد و بالاخره اعلام استقلال نامیبیا.

دولت های امپریالیستی غرب، بمنظور حفظ سیادت خود بر این کشور میکوشند توسط گسروه باصطلاح تماس (که اعضای آن ایالات متحده آمریکا کانادا، آلمان غربی، فرانسه و انگلستان هستند) که گویا بخاطر وساطت میان دو طرف تشکیل شده به هر نحو که میتوانند حل مسئله را به تعویق اندازند. برای دست یافتن به این مقصود انواع حقه بازیهای سیاسی و ایدئولوژیکی را که در چینه دارند بخدمت گرفته اند. نمیخواهند بگذارد حکومت بدست سازمان خلقی جنوب غربی آفریقا (سوپو)، تنها نماینده قانونی خلق نامیبیا

بیفتد. بدیگر سخن نیروهای امپریالیستی خواهان آنچنان "استقلال" برای نامیبیا هستند که آنها اجازه دهد همچنان منابع غنی زیرزمینی کشور را غارت کنند و آنرا بصورت تخته پریشی برای تحقق اهداف برتری جویانه نظامی و سیاسی خود بکار گیرند. و این چیزی نیست بجز ایجاد وابستگی نواستعماری. مشکل میتوان تصور کرد که ایالات متحده آمریکا و انحصارات این کشور به آسانی از آقایی خود بر سرزمینی دست بردارند که از آنجا ۹۸ درصد صادرات کبالت، ۸۰ درصد طلا، سفید، صد درصد الماس صنعتی، ۵۸ درصد اهراتیوم، ۲۰ درصد وانادیوم و بسیاری دیگر مواد خام استراتژیک را دریافت می کنند که بدون آنها عمل کرد دستگاه نیرومند نظامی صنعتی ممکن نیست.

چندی است که در صفحات روزنامه های غربی بالحنی خوشبینانه از پیشرفت مذاکرات پیرامون نامیبیا صحبت میشود. در واقع خود ریگان نیز رسماً اعلام کرده بود که شال ۱۹۸۲ سال آزادی نامیبیا خواهد بود. اما اکنون دولت های امپریالیستی مسئله نامیبیا را با موضوع حضور نیروهای کویاشی در آنگولا، که توسط دولت قانونی این کشور دعوت

## نامه خوانندگان

یکی از دوستان راه توده در مقاله مفصلی تحت عنوان: مالدیولیای ژنرال فاشیست و کرداب براد ز مجاهد به شرح "دسته گلسی" پرداخته است، که سخنگوی رادیوی سلطنت طلبیان به آب داده است.

جریان شرح داده شده در این مقاله از این قرار است که آقای فاشیست وطنی، که روزی با نام منوچهری جاسوس آلمان هیتلری بود و بعد با نام آریانا در خدمت سیا درآمد و این روزها با عنوان "مارشال" تدارک براندازی انقلاب ما را می چیند، یک مصاحبه با رادیو سلطنت

توسط "توده ای ها" افشا می شود. در خاتمه نویسنده مقاله به فریب خوردگان صاف "مجاهد" هشدار می دهد، که مواظب باشند "برادر" شدن با فاشیستها و سلطنت طلبان عاقبتی جز تلخی و سرفاکنندگی ندارد. سرفاکنندگی ای که با ملاقات اخیر رجسوی با طارق عزیز به قله جدیدی دست یافته است.

طلبان (۱۲ سپتامبر ۸۲) داشت در این مصاحبه آقای "مارشال" به شرح "فکایت نظامی خود و زبرد ستانش در کوه های ترکیه ("دوست و همسایه مسلمان") در مجاورت مرزهای ایران پرداخته و عملاً "یکبار دیگر عیار" روابط مودت آمیز و دوستانه "کشور ناتو زده" و کودتازده ترکیه را با ایران انقلابی نشان می دهد.

در ادامه مقاله چنین می خوانیم: گوینده سلطنت طلبان در گفتاری دیگر و در همدانی بسنا "مارشال" پیر و فرتوت بی پروا به حسرت توده ایران فحاشی کرده و به دلسوزی در باره "مجاهدین" که آنها را "برادران عزیز مجاهد ما" می نامد می پردازد و مدعی می شود که گویا خانه های تیمی آنها و "سلطنت طلبان (عزیز)

**کمک مالی به حزب توده ایران، تک وظیفه انقلابی است!**

# برای کار کودکان کارگر - این سرمایه‌های راستین کشور - فکری باید کرد

## کارگران خردسال را از کارگاه‌ها به کلاسهای درس ببریم!

شود و قانون ضمانت اجرایی داشته باشد تا کارفرمایان در صورت تخلف شدید مجازات شوند.

### توصیه‌های "سازمان بین‌المللی کار"

- ۱- برنامه توسعه و تکمیل اقدامات بیمه‌های اجتماعی در مورد وضعیت خانواده و حتی اطفال.
- ۲- برنامه توسعه مؤسسات آموزش و تکامل حرفه‌ای.
- ۳- برنامه توسعه مؤسسات حمایت از کودکان.
- ۴- تعیین حداقل سن به یک میزان در تمام رشته‌های کار.

۴ برادر، ۲ خواهر و مادر خود را اداره کند.

- برهان سلطانی، ۱۱ ساله، مخارج یک خانواده ۹ نفری را با روزی ۶۰۰ ریال دستمزد تأمین می‌کند.
- نادر رحیمی، ۱۴ ساله، میزبان علی، ۱۰ ساله و ...

برای سرمایه‌داران سودجو و استثمارگر، استفاده از کار کودکان خردسال از چند جهت با صرفه است: ۱- آنها را با دستمزد کمتری می‌توانند به کار بگیرند. ۲- زودتر اغوا و مغرور می‌شوند. ۳- از حقوق کارگری و بیمه‌های اجتماعی و حوادث و غیره چیزی نمی‌دانند و ...

جالب اینجاست که این سرمایه‌داران بسا این عمل خود، مدعی "انجام وظایف انسانی" نیز هستند. مدیر کارگاه نامبرده می‌گوید: "در اینجا کسانی هستند که پدرانشان را در جیب‌های جنگ از دست داد مانند ما یا پدرش

کودک از نخستین دقایق هستی دارای حقوق است که جامعه موظف به رعایت آنست و بایست آنچنان جو مساعدی در جامعه موجود باشد، که کودک بتواند از نظر جسمی و روانی بنحوی متعادل رشد کند. بهمین جهت در جوانی فارغ از ستم طبقاتی، بهداشت و تغذیه و شرایط کار و زندگی مادر، از نخستین ماههای بارداری زیر نظر دولت قرار میگیرد.

در ایران که نظام فئودالی و جانبدار سرمایه‌داری وابسته از هزاره، جان زحمتکشان تغذیه کرده و میزند، هیچ نهاد دولتی و اجتماعی خود را موظف به پاسداری از زندگی کودکان نمی‌داند، در جامعه کنونی ما هنوز زندگی اکثریت کودکان، به تبعیت از زندگی میلیونها نفر خانواده محروم و مستضعف، سراسر سیاهی و اندوه، شوریدگی و بی‌نوازی است. هزاران هزار کودک در سراسر روستاهای ایران از سن ۵ - ۶ سالگی، در کنار پدران و مادران محروم و زحمتکش خود، به کار جویانی، علف‌چینی، جمع‌آوری هیضم، مراتبت از دام و طیور آبیاری و غیره اشتغال دارند. کارگاههای قالی بافی، که به سرانگشتان ظریف کودکان نیازمند کورستان سلامتی و رشد و شادابی کودکانند. صاحبان این کارگاهها، کودکان را، گاه حتی قبل از تولد، پیش خرید می‌کنند، تا از سن ۴ - ۵ سالگی از نیروی کار آنها بهره‌گیرند. در کارخانه‌های رستدگی، در کوره‌پزخانه‌ها، کارگاههای کوچک صنایع دستی، تانواپها، کارگاههای آهنگری، کفاشها، آرایشگاهها، چاپخانه‌ها، کارخانههای بلورسازی و شیشه‌سازی، کوزه‌گری‌ها، معادن و غیره، هزاران هزار کودک بجای آنکه تحصیل کنند، در شرایطی ظالمانه و غیر بهداشتی، نیروی کار خود را در برابر مزدی ناچیز می‌فروشند.



او یازده سال بیشتر ندارد، این سنتها باید با قلم آشنا شود، اما در گِل می‌نشیند

- ۵- تعیین هدف نهایی حداقل سن (کار) به ۱۱ سال.
  - ۶- اقدامات فوری در مناطقی که حداقل سن کمتر از ۱۴ سال است.
  - ۷- تعیین حداقل سن به ۱۸ سال در کارهای خطرناک و همچنین در نظر داشتن اصل "کار مساوی - مزد مساوی".
  - ۸- ممنوع کردن اضافه کار برای اطفال به هر نحوه باشد.
  - ۹- الزام ۱۲ ساعت استراحت شبانه و تعطیل هفتگی.
  - ۱۰- مرخصی سالانه با استفاده از مزدکنش کمتر از ۴ هفته نباشد.
  - ۱۱- حمایت و کنترل بهداشتی و اخلاقی، حمایت سیستمهای بیمه‌های اجتماعی، بیماری و تصادفات کار. (اطلاعات ۵/۱/۲۲)
- بقیه در صفحه ۹

آنها وظیفه انسانی خود را انجام دادیم." سرپرست دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تعداد کودکان کارگر کمتر از ۱۳ ساله را نیم میلیون نفر ذکر کرده است. و نیز برپایه آمارهای سال ۱۳۵۵، از جمعیت ۸,۷۹۹,۴۲۰ نفری شاغلان سراسر کشور، ۵۱,۵۵۴ نفر دارای سن بین ۱۰ تا ۱۴ سال بوده‌اند. (ایران در آئینه آمار)، صرف نظر از آنکه این ارقام خود تاسف‌بار است، ولی تعداد کودکان شاغل، از این ارقام به مراتب افزون تر است، زیرا این آمار مربوط به کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله، شامل است، در حالیکه در سراسر روستاهای ایران کودکان کارگر، از سن ۵ - ۶ سالگی شروع به کار می‌کنند.

برای جلوگیری از کار کودکان باید:

- کار کودکان کمتر از ۱۵ سال، در سراسر کشور ممنوع اعلام شود.
- این امر در قانون کار قبلاً

برای آشنایی بیشتر با اشتغال کودکان و نوجوانان و بعنوان مثنی نمونه، خروار یکی از کارگاههای بلور سازی "نعمت آباد" را که در آن حتی ابتدایی‌ترین مسائل کارگری نیز رعایت نمی‌شود. (کارگرانی که با کوره‌های آتشی سروکار دارند از سنایی ایمنی بی‌بهره‌اند و به علت تماس دائم با خرد شیشه، نسوز، آرسنیک، کربنات، سودا و غیره در معرض انواع بیماریها قرار دارند.) مورد بررسی قرار می‌گیرد. (از گزارش روزنامه اطلاعات ۱۵ دی ۶۱) از حدود ۲۰ کارگر یکی از این کارگاهها، حداقل ۱۵ نفرشان کمتر از ۱۸ سال دارند که در میان افراد ۸ - ۷ ساله نیز دیده می‌شوند. برخی از آنها، یتیم هستند و برخی نان آور خانواده. ● من قربانعلی جوانمرد هستم. هنوز ۱۲ سالم تمام نشده و روزی ۹ - ۸ ساعت کار می‌کنم. باید خرج خانه را بدهم. ● منمهر اسدی کارگر ۱۲ ساله دیگری است و با دستمزد ناچیز که بزرگت به ماهی ۱۲۰۰ تومان میرسد بایست



# برای کار کودکان کارگر - این سرمایه‌های راستین کشور - فکری باید کرد

بقیه از صفحه ۸

توصیه‌های " سازمان بین‌المللی کار " هرگز در دوران ستشاهی به مورد اجرا گذاشته نشد و بالعکس شرایط کار کودکان را شاق تر و حادتر کرد .

## توصیه کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران

مسئله اشتغال اطفال ، بعنوان یکسری از معضلات اجتماعی ما ، در محافل کارگری نیز بازتاب یافت .

در متن لایحه کار پیشنهادی سومین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران که در مشهد برگزار گردید ، مسئله اشتغال کودکان نیز مورد توجه قرار گرفت . از جمله در ماده ۴۰ این لایحه آمده است که : " به کارگماردن اطفال کمتر از ۱۶ سال ممنوع می باشد مگر برای کار آموزشی و آموزش صنعت " . در تبصره همین ماده گفته شد : " در شرح مقدس اسلام ، اطفال تا کمتر از ۱۶ سال تحت تکفل پدران خود می باشند مگر با اجازه کتبی ولی طفل که در آن صورت نیز نیایستی کمتر از ۱۴ سال داشته باشند " .

در مواد ۴۱ و ۴۲ لایحه کار پیشنهادی شوراهای اسلامی ، همچنین کار در ساعات ۲۴ تا صبح روز بعد برای اطفال ممنوع اعلام شد و اطفال از انجام کارهای سخت و زیان آور منع شدند .

## با اجرای مواد قانون اساسی مسئله اشتغال کودکان نیز قابل حل است

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه . . .

اصل ۲۸ - " دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای اخراز مشاغل ایجاد نماید " .

سالیان دراز سلطه امپریالیسم و سلطنت مستبده ، شرهت‌های ما را از دل خاک بیرون کشید و به بیخما برده و گزوه عظیمی از کودکان ایران بر سرکنجینه‌های میهن خود ، از بی‌غذایی و بی‌دوائی جان می‌سپارند . سالیان دراز امپریالیسم و تکیه‌گاه‌های داخلی آن ، فتودال‌ها و سرمایه‌داران بزرگ وابسته ، از نیروی کار زن و مرد و کودک زرانندوختند ، در حالیکه اکثریتست کودکان ایران ، گرسنه و برهنه و پاره‌پوش و بیمار و بیسواد ، بجای شیرینی کودکی ، زهر تلخی محرومیت در دهان داشته و در دهان دارند . توجه به زندگی محرومان جامعه ، که کودکان نیازمندترین آنهاند ، از وظایف حتمی انقلاب است که باید با ایجاد دگرگونی در نظام اقتصادی کشور ، بحد رنج شالوده یک زندگی نوین برای مستضعفان ریخته شود . بدون این گام اساسی نمی‌توان در زندگی کودکان ، که نیازمند مراقبت و دل‌سوزی جامعه و خانواده‌ها ، تحولی اساسی بوجود آورد .

روشن است که روی سخن این مقاله به‌عنوان تکلیفی و شرکا ، بلکه با مسئولین دلسوز جمهوری اسلامی ایران و پیروان راستین و انقلابیسی خط امام خمینی است که با بررسی وضعیت پر مشقت و رنج کارگران خردسال هرچه زودتر به این وضع اسف‌بار پایان دهند و امکانات لازم را جهت پرورش و پرورزی استعداد های کارگران کم سن و سال - این سرمایه‌های راستین کشور - فراهم آورند .

مواردی گنجانیده شده که اگر دقیقاً به مورد اجرا گذاشته شوند ، میتوان مشکلات اشتغال اطفال را ( و نیز بسیاری از دیگر مشکلات ) حل نمود . از جمله :

بند ۳ - اصل ۳ - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه ، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی .

بند ۱ - اصل ۴ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه ، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی .

بند ۲ - اصل ۱۲ - پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفیع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه .

اصل ۲۹ - برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی ، بیماری ، پیری ، از کارافتادگی ، بی‌سرپرستی ، درماندگی ، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی بصورت بیمه و غیره حق است همگانی . دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمد عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم ، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند .

اصل ۳۰ - دولت موظف است مسائلی آموزش و پرورش را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد .

بند ۱ - اصل ۴۲ - تأمین نیازهای اساسی : مسکن ، خوراک ، پوشاک ، بهداشت ، درمان ،

# ورشکستگی اقتصادی و معنوی امپریالیسم

انتشار داد که در آن مؤلف می‌پرسد که آیا مشکلات کشورهای بزرگ سرمایه‌داری ناشی از ورشکستگی معنوی نیست؟

نویسنده توضیح می‌دهد که در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اکنون ۲۶ میلیون بیکار وجود دارد . اما این تازه آغاز کار است ، زیرا سیاست حاکم بر این کشورها پیوسته منجر به بیکاری تعداد بیشتری از کارگران و کارمندان میشود . اگر فقط جنبه اقتصادی این بیکاری مورد توجه قرار گیرد مشاهده میشود که سالانه بر اثر عدم استفاده کامل از امکانات تولیدی ۶۰۰ میلیون دلار کالا تولید میشود و این حدود ۹٪ تولید ناخالص ملی مجموعه این کشورهاست .

نویسنده مقاله می‌پرسد که آیا میتوان این بیماری را بطور جدی و واقعی از راه گرفتن خون کشورهای در حال رشد و تزریق آن بکشورهای غنی سرمایه‌داری مجالجه کرد ؟ آیا این منجر به مرگ بیمار پیش از درمان او نخواهد شد؟

دبیر کیل یونسکو بهنگام گشایش چشمه‌ها در نشست فوق العاده این سازمان چنین گفت : " صد ها میلیون انسان در فقر مطلق زندگی میکنند ، نه به آب آشامیدنی دسترسی دارند و نه از کمک های پزشکی برخوردارند . مردم برخی از کشورها درآمدشان ۲۰ برابر درآمد اهالی کشورهای ثروتمند است که آنها حتی امید ۲۰ سال عمر کردن را هم ندارند " .

برنگاه عظیمی که میان کشورهای پیشرفته غربی و کشورهای در حال رشد وابسته به آنها وجود دارد موضوع اصلی بحث در نشست اخیر سازمان کات " توافق درباره تعرفه های گمرکی و تجاری بود که در ژنو برگزار شد . مطبوعات پرزواشی کشور های غربی مطالب فراوانی پیرامون مورد تهدید قرار گرفتن منافع غرب بر اثر متحد شدن کشورهای " جهان سوم " ، جنگ اقتصادی میان ایالات متحده آمریکا و بازار مشترک اروپا و مسائل حاد اقتصادی سرمایه‌داری انتشار دادند . از جمله روزنامه لوموند چاپ پاریس مقاله‌ای بقلم موریس وارلن

موریس وارلن برای تأیید نظر خود می‌نویسد : مجموعه تولید ناخالص ملی کشورهای در حال رشد بجز چین حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار است یعنی ۵۲۵ - دلار سرانه برای یکسال . در مقایسه با کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری این یک نود هم درآمد سرانه است که به ۹۹۷۵ دلار بالغ میشود . در میان خود کشورهای " جهان سوم " هم اختلاف درآمد بسیار زیاد است . اگر در بعضی کشورهای امریکای لاتین رقم درآمد سرانه سالیانه دو هزار دلار است در برخی کشورهای آفریقایی به ۱۳۰ دلار در حال سقوط میکند .

اما این ارقام عمومی هم واقعیت را منعکس نمیکند زیرا در تقسیم ثروت در داخل این کشورها عدم تناسب فوق العاده بزرگی وجود دارد که روز بروز بدتر هم میشود . بطوریکه ۸۰٪ درآمد ملی نصیب فقط ۱۰٪ اهالی میگردد . مؤلف مقاله می‌افزاید : از سی سال پیش کشورهای غربی هر کسی را که در کشورهای " جهان سوم " بصرای حفظ منافع نامشروع خود قدرت حکومتی را قبضه میکند ، تنها باین شرط که منافع کشورهای سرمایه‌داری غرب را محفوظ نگاه دارد . مورد حمایت و پشتیبانی نظامی قرار میدهند . در واقع شریک

بقیه در صفحه ۱۵

# ما محکوم می کنیم

در زیر راه نوده خلاصه ای از اعلامیه "کمیتسه فرانسوی علیه اختناق در عراق" را تحت عنوان: "ما محکوم می کنیم" درج می کند.

تجاوز به حق تحصیلی در عراق "جریان" یعنی کردن "تحصیلات از چندین سال پیش آغاز شد ولی از سال ۱۹۷۸ با تمام شدن با اعلان شکنجه، توهین و زیر پا گذاشتن رسالت انسانی، انعقاد بیش از پیش وسیعی بخود گرفت.

در آغاز تعدادی از دانشکده ها و مدارس عالی بصورت انحصاری فقط برای اعضای حزب بعث یا افرادی که توصیه نامه از این حزب یا اتحادیه دانشجویی وابسته به حزب بعث را دارند، درآمد. بقیه دانشکده ها و مدارس عالی نیز بند رسج همین طریق را طی کردند و مختص بعثیه ها شدند.

شریت مری در تمام سطوح مدرسه، آکادمی هنرهای زیبا، دانشکده پلی تکنیک، مدرسه عالی ورزش و... مدرسه نظام و مدرسه پلیس بلافاصله بعد از بغارت رسیدن حزب بعث بصورت انحصاری برای اعضای این حزب درآمد.

در سالهای ۱۹۷۸-۱۹۷۹ این سیاست در شخص تمام دانشگاهها در تمام جوانب ممکن گسترش پیدا کرد. و از این زمان توصیه نامه از صرف یکی از سه سازمان حزب بعث، اتحادیه دانشجویی و یا سازمان حفاظت ملی بطور رسمی یکی از شروط و مدارک لازم جهت ثبت نام در دانشگاهها محسوب می شود.

بدین ترتیب، بیش از سه هزار دختر و پسر جوان در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ با وجود حائس بودن دیگر شرایط و نمرات بالا، بصرف نداشتن توصیه نامه از تحصیلات عالی محروم شدند و در عوض همین تعداد دانشجویان علمی رقوم نداشتن شرایط لازم صرفا بخاطر نداشتن توصیه نامه از این سازمانها، ناحقانه توانستند در دانشگاه ثبت نام کنند.

در حال حاضر این مساله بیش از پیش شدت گرفته است و دانشجویانی که حاضر به عضویت در این سازمانهای یعنی نشايند کترین شانشی برای ادامه تحصیل برایشان وجود نخواهد داشت. دانشجویانی که توانسته اند چه قبل و چه بعد از اجراء گذاشتن این شرط در دانشگاه ثبت نام کنند، تحت لوای نداشتن "وفاداری سیاسی" به اخراج از دانشگاه تهدید می شوند. از طرفی سازمانهای حزب بعث و اتحادیه دانشجویی با همکاری سازمانهای امنیتی، دانشکده و مدارس عالی را بصورت يك محیط آزار و اذیت و تفتیش عقاید برای دانشجویان عضو "اتحادیه عمومی دانشجویان جمهوری عراق" و دیگر دانشجویانی که تمایلات غیر بعثی دارند (دمکراتها، کمونیستها،...) تبدیل کرده اند و به این ترتیب عد ها دانشجوی هر ساله از دانشگاهها اخراج و از تحصیلات عالی محروم می گردند. فرم ثبت نام در دانشگاهها سولاتی همچون

"تمایلات سیاسی خانواده" و "آیا در برادر همراه با طرح اجباری شدن تحصیل در سال ۱۹۷۹ برنامه بعثی کردن آموزش نیز همزمان به اجرا گذاشته شد" این تصمیم خودکامه نه تنها برنامه درسی را شامل می شود بلکه هزاران مدرسه و دانشجو و دانش آموز را نیز در بر می گیرد. بدین ترتیب که تمام مدرسين، استادان، مربیان و تمامی کسانی که به نحوی با کادر تربیتی در ارتباطند باید بین عضویت در حزب بعث و یا زها کردن شغل تدريس یکی را انتخاب کنند. البته دومین راه به همینجا ختم نمی شود، چه فرد مستغنی توسط مامورین حفاظتی و امنیتی تحت تعقیب قرار می گیرد و عاقبت کارش به بازداشت و زندان و انواع و اقسام شکنجه جسمی و روحی و تبعید... ختم می شود. همه اعضای غیر بعثی کادر تربیتی بدین ترتیب می بایست فرم تقاضای عضویت در حزب بعث را امضا کنند و مریانی که عضو حزب کمونیست شده اند، علاوه بر این باید با مسئولین "همکاری (اجباری)" داشته باشند و تمام اطلاعات خود را در مورد حزب و رفقایشان در اختیار مدیریت استثنویا دانشگاه بگذارند که آنها نیز طبیعتا آن را به اداره امنیت گزارش می کنند. از سال ۱۹۷۸، دفاتر امنیتی در تمام مدارس و

دانشگاهها مستقر شده است و بدین ترتیب هزاران مری غیر بعثی هر روز در ملاعام و در جلوی چشم شاگردانشان مورد توهین، تحسك حرمت و ضرب و شتم قرار می گیرند.

در گذشت از ۴ ماه (سپتامبر - دسامبر ۱۹۷۸) ۲۰۰۰ مری و معلم بازداشت و مورد توهین و شکنجه قرار گرفته اند.

طبق تصمیم مهرانه ای که در وزارت تعلیم و تربیت و تحصیلات عالی عراق گرفته شده است، مدیران مدارس و موسسات و روسای دانشگاهها موظفند که معلمین، مدرسين، استادان و کمک استادان را به عضویت حزب بعث در آورند و چنانچه کسی از این امر سر باز زند باید کتاب به پرسش نامه آه در آن امثال سولات زیر مطرح است: پاسخ دهید.

- آیا کمونیست یا هوادار کمونیست هستید؟  
- برای چه از عضویت در حزب امتناع می کنید؟  
این مساله که تا چندی پیش فقط کمونیستها را شامل می شد، هر روز گسترش بیشتری می یابد و اکنون تمام نیروهای مخالف و غیر بعثی را تهدید می کند.

در حال حاضر مدرسين و معلمان در داخل و خارج عراق پراکنده شده اند و این در حالی است که نبود کادر تربیتی و علمی در تمام کشور روز به روز محسوس تر می شود و صدها مدرسه و انستیتو و دانشکده دچار کمبود معلم هستند و کار بجائی رسیده که مطبوعات رسمی حزب بعث هم از این مساله به صدا در آمده اند!

## جنبش صلح در انگلستان

این تصمیمات و نقطه نظرها مبین خواست های عمیق توده های مردم است که خواهان زندگی در آرامش و صلح می باشند، زیرا بختگ و انهدام امنی باعث وحشت و نگرانی روز افزون مردم، خصوصاً جوانان گشته است.

حکومت فعلی انگلیس که نمایندگی هارترین جناح امپریالیستی این کشور را دارا است در مقابله با این جنبش توده های بیجه کوبه اقدامی دست میزند، اگر چه در واسطه بولپر تعدادی از زنان مبارزی را که در برابریت پایگاه هوایی پیام "کریس هام" که در آن قرار است موشهای آمریکائی "کرور" سال آینده مستقر شوند، دستگیر و به زندان محکوم کرد. غرض دیگر جنک روانی تبلیغاتی است، نه در آن مذاقین نظام پوسیده امپریالیستی در مصیوبات خود فروخند به جمله علیه جنبش صلح و جعل اخبار برای ارتباط دادن به اتحاد شوروی مشغولند.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بریتانیا در کنفرانس اخیر "سی. ان. دی" شرکت کرد و موفق شد نقش موثری در شناساندن انقلاب شکوهمند مسردم ایران و افشای توطئه تجاوز رژیم بعث عراق به ایران انقلابی ایفا نماید.

در جریان کنفرانس نمایندگان تشکیلات زنان همرا با سایر نمایندگان مرفقی به فعالیت بسیاری خریج از ناتو را می دادند که با اکثریت آرا به تصویب رسیدند.

اخیرا جنبش صلح در کشورهای اروپای غربی وارد مرحله نویی از رشد خوش شده که شاخمران اقدامات ضد امپریالیستی است. و اخیرا ماه نوامبر ۱۹۸۲، از سوی جنبش صلح در بریتانیا موسسه به مبارزه برای خلیج صلح هسته ای - سی. ان. دی در دفترانرسالانه تصمیم به خریج از بیان ناتو گرفته شد. این واقعه بسیار مهمی در روند رشد جنبش صلح در این کشور، بعد از تصویب خلیج صلح - یک طرفه از سوی حزب کارگر انگلیس در ماه سپتامبر می باشد. در جریان تصمیم گیریها آقای مک تاوش، یکی از نمایندگان حاضر در کنفرانس، طی سخنانی گفت: "ناتو جزئی از سیاست های جنک سرد است ما تا اینجا موفق شد تا فایده سیاست خلیج صلح - یک طرفه را تثبیت کنیم، حال بایستی این سیاست را با سیاست خریج از ناتو تکمیل نمائیم." یکی دیگر از نمایندگان حاضر در کنفرانس در رابطه با لزوم پیوند جنبش صلح و جنبش کارگری گفت: "ما از طریق تکیه به اتحادیه های کارگری موفق خواهیم شد در مقابل موشکهای میان برد بایستیم."

در رابطه با عمومیت یافتن خواست های صلح طلبانه و مخالفت با استقرار سلاحهای اتمی، میتوان از اقدام مقامات شوراها ی اداری در ۱۴ شهریور سرتاسر بریتانیا یاد کرد که اعلام تجدید فاند در مقابل زیر شتر شوراها ی مدیریت این شهرها استقرار و کردن سلاحهای اتمی و همچنین حفل و نقل اینده سلاحها ممنوع می باشد.

# کارشناسان کوبائی در شاخ آفریقا

سوسیالیستی آمریکا در کشاورزی اتیوپی بکار مشغولند. آنها بخصوص به گسترش بخش تعاونی و دولتی کشاورزی که کمیسیون تشکیلات حزب زحمتکشان اتیوپی در دولت قرار داده است، کمک می‌کنند.

هدف اصلی اینست که گام به گام به خودکفائی در زمینه مواد غذایی نزدیک شوند.

اگر گاوها در تعاونیها و بخش دولتی اتیوپی امروز سالم‌تر از گذشته هستند، این مدیون تلاش دامپرستان کوبائی است. آنها همچنین نسوژند جدیدی که گوشت و شیر بیشتری از آن بدست می‌آید را، پرورش میدهند. نمونه دیگر، در ۵۰ کیلومتری جنوب آدی آبابا است که تهیه و توزیع آب به نحو چشمگیری بهتر شده، متخصصین کوبائی در این جا دو مخزن آب به گنجایش ۲۸ میلیون متر مکعب ساختند. و بالاخره در یک شهر دیگر هم بسا کمک کوبا یک کارخانه سیان سازی در حال احداث است. بعد از اتمام کارخانه، اتیوپی میتواند تولید سیان خود را سه برابر کرده و به این ترتیب پروژه های توسعه خود را پیاده کند. در تعداد زیادی از بیمارستانها و دانشگاه آدی آبابا پزشکان و استادان کوبائی در پیشرفت بهداشت عمومی کمک می‌کنند.

پایه اساسی، همکاری اتیوپی و کوبا - در تمام این زمینه ها قرار داد دوستی و همکاری است که در سال ۱۹۷۹ بین فیدل کاسترو و میکستو هایل ماریام امضا شده است و همه ساله کمیونسهای مشترک - اقتصادی علمی و فنی، همکاری متقابل تشکیل می‌شود تا آمار کارهای انجام شده و طرح پروژههای جدید را بررسی کنند.

طبق اظهار نظر "آدی آبا" رئیس کمیسیون اتیوپی و معاون دبیرکل شورای عالی برای توسعه و توسعه ملی انقلابی و مرکز برنامه ریزی؛ "کشورها سوسیالیستی و کوبا ثابت کردند که یک متحد واقعی، در نبرد ما برای ساختن یک جامعه سوسیالیستی و توسعه اقتصادی، هستند."

هنگامیکه یک بریگاد جاده سازی کوبائی در منطقه میزان تفری در جنوب غربی اتیوپی ناحیه کافا، وارد شده، تازه واردان آند وخته مختصری از کلمات فرگیرترین زبان اتیوپی را بخاطر سپرده بودند. وصیانه ساکنان منطقه را "گودنیا" صدا می‌زدند، لغتی که هم معنی دوست و هم معنی رفیق است. ۳۰ میلیون ساکنان اتیوپی به بیش از ۷۰ زبان مختلف صحبت میکنند، به این جهت نه تنها مردم "نیولت" در جنوب غربی بلکه حتی دهقانان طایفه "گواچه" ساکن در آن منطقه هم معنی لغت را نمی‌فهمیدند. آنها تصور میکردند که این یک علامت برای جاده سازها است. این اشتباه خیلی زود اصلاح شد، اما آن زمان تعداد متخصصین کوبائی که در مناطق وسیعی از کشور به نوسازی و باز سازی کمک می‌کنند، در سراسر اتیوپی "گودنیا" نامیده میشوند.

کوبائی ها به این خاطر نیامده بودند که در جنگل های اطراف به شکار حیوانات وحشی بروند، چیزی که در زمان امپراتور اغلب توریست های تروتسک انجام می‌دادند، و با جیب های خود بی ملاحظه بر روی زمین های دهقانان میراندند. آنها با این خاطر آمده بودند، که یک جاده از میزان تفری تا "شی" بطول ۵۰ کیلومتر بسازند. دهات بسیاری از این طریق به شبکه جاده های کشور متصل شدند و اکنون حتی روزه های بارانی هم ماشین پزشکی میتواند به آنها دسترسی داشته باشد. دهقانان حالا میتوانند از میزان تفری محصولات کشاورزی و بخصوص قهوه معروفی که منطقه "کانا" اسم خود را هم از آن گرفته است را بازار مرکز ایالات شهر "جیما" و از آن جا به آدی آبابا که ۳۵۰ کیلو متر دورتر است برسانند. و این اهمیت صنوبری برای دهقانان دارد کمک متخصصین کوبائی در پیاده کردن برنامه های بی شمار توسعه اتیوپی امروز در همه جا قابل لمس است. از آماري که به تا زگی منتشر شده بر می آید که در حال حاضر ۷۵۰ کوبائی متخصص در کشور اتیوپی به کمک های سوسیالیستی مشغولند. مهندسين کشاورزی، از اولین کشور

# رژیم کره جنوبی بدون نقاب

آمریکا پس از شکست عملیات تجاوری اثر علیه جمهوری دیمکراتیک کره، تلاش کرده است با دادن میلیونها دلار "کمک" به رژیم "کره جنوبی" آنها را پایگاهی علیه کره دیمکراتیک بسازد. آنها میگویند تا بدینوسیله "تبعیضات اقتصادی و سیاسی" رژیم دست نشاندۀ خود را حفظ کنند. این ترفیقات "میلیون ها دلاری" و استثمار بی حد کارگران کم مزد کره ای باعث بوجود آمدن نظامی شد که بلندگوهای فریبی از آن بمثابة "نمونه بارزی از سرمایهداری مافوق در یک کشور در حال رشد" یاد می‌کنند.

اما در این بین دیگر خبری از این نظریات نیست. اقتصاد کره جنوبی در ورطه ورشکستگی قرار گرفته است. هشتاد درصد جمعیت فعال کشور بیکارند، و نرخ تورم سالهاست که مرز ۷۲۰٪ را شکسته و قروض خارجی آن از رقم نجومی ۲۳ میلیارد دلار نیز بالاتر است. علل این نسوژل سرخ با خرجهای بی حد و حساب نظامی رژیم خاکم سئول در ارتباط مستقیم است. نزدیک به ۴۰٪ بودجه کشور به ارتش ۱۰۰ هزار نفری و دستگاه پلیس اختصاص داده شده است. برنامه مد ریزه کردن ارتش کره جنوبی نیز بنا به تخمین صاحب نظران بیش از ۱۰ میلیارد دلار خرج بر خواهد داشت. "واسهای خیرخواهانه" آمریکا به رژیم سئول برای خرید اسلحه اصلا بند بست خود رژیم سئول نیز نمیرسد. آمریکا این مبالغ را مستقیما به حساب شرکتهای طرف قرارداد در آمریکا واریز میکند. ادامه حیات رژیم فاسد تنها با ترور و قتل و جنایت ممکن است. شکنجه و رفتار ضد انسانی با مردم در دستور روز دستگاههای تفیسفی رژیم قرار دارند. "تعماتنهای امنیتی" آمریکا برای رژیم کره جنوبی در ارتباط تشاتنگها استراتژی عمومی امپریالیسم و اهداف آن در این منطقه از جهان قرار دارد. استقرار ۴۰ هزار سرباز آمریکائی در کره جنوبی، حضور دائمی ناوگان هفتم آمریکا در نزدیکی سواحل کره "جتراتی" آمریکا و بالاخره "وام مخصوص" دو میلیارد دلاری در موارد اضطراری که و این - بزرگ احیرا قولش را داده است همگی در جهت ترمید جمهوری دیمکراتیک خلق کره و قتل از همه همسایه قدرتمند آن اتحاد شوروی انجام میگردد.

# اتیوپی در راه رشد همه جانبه

تداومی کشور را بالا برده و آگاهی فنی و سیاسی ارتش را نیز افزایش دهد.

همچنین گفته میشود که باید مناسبات با احزاب کمونیستی، پروژه حزب کمونیست اتحاد شوروی گسترش یابد، زیرا تجار با آنها برای تکامل انقلابی کشور بسیار ارزشمند است.

تقویت تعاون های کشاورزی و گسترش مزارع دولتی، حلقه مرکزی رشد اقتصادی کشور تلقی شده است. کنگره تأکید کرده است که باید اصول سوسیالیستی کار پیگیرانه در کارخانه های دولتی پیاده شود. همچنین لازم است که برای انجام پروژه های بزرگ صنعتی تلاشهای گسترده ای در جهت استخراج مواد خام داخلی انجام گیرد. همچنین تأکید شده است که در رابطه با شرایط معین کشور صنایع کوچک و کارگاههای تعاونی تولیدی باید گسترش یابند.

دومین کنگره کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی، در آدی آبابا، برگزار شد. در این کنگره تصمیم گرفته شد که حزب تا اواخر سال آینده مسیحی تشکیل شود.

مکینتو هایل ماریم، در نطق اختتامیه خود گفت که ادامه موفقیت آمیز سمت گیری سوسیالیستی کشور به تشکیل حزب مارکسیستی - لنینیستی که با توده های خلق پیوند عمیق داشته باشد بستگی دارد.

در مصوبات کنگره سیاست تسلیحاتی و مقابله جویانه امپریالیسم به عنوان خطری برای صلح جهانی محکوم شده است. اتیوپی نیز همچون کشورهای مترقی دیگر منطقه مورد تهدید اهداف تجا و زکارانه امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس و دریای سرخ و اقیانوس هند قرار دارد. در این رابطه کنگره از دولت خواسته است که تسولان

**برقرار باد اتحاد**  
**همه نیروهای ضد امپریالیستی**  
**و دمکراتیک ایران**  
**در جبهه متحد خلق**

# در هفته ای که گذشت:

## همراه با کارگران و زحمتکشان به استقبال چهارمین سالگرد انقلاب برویم

با فرا رسیدن ۱۲ بهمن، سالگرد یازگشت رهبر انقلاب به میهن، ایام بزرگداشت آغاز پنجمین سال انقلاب بنام " دهه فجر " یا پیام حضرت آیت الله منتظری طی مراسمی در بهشت زهرا آغاز شد . در سراسر میهن انقلابی کارگران و زحمتکشان که تا بحال از هیچ هدایتی در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب و مقابله با توطئه های دشمنان آن فروگذار نکردند، به استقبال سالروز ۲۲ بهمن ۵۷ میروند، با این امید که سال پنجم انقلاب سال شکست گم بزرگ مالکی، سال مهار کردن تروریسم اقتصادی، سال دولتی کردن بازرگانی خارجی و سال تصویب قانون کار انقلابی باشد .

ما هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور نیز همگام با همه مردم زحمتکش میهنان و نیز همه نیروهای مدافع انقلاب به استقبال چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب میرویم، به ارزیابی تجربیات بدست آمده می پردازیم، دستاورد های گرانمایه انقلاب را آنچه می گذاریم و علمیرم همه مشکلات و مسایلی که دشمنان انقلاب و سبب کنندگان آن بوجود آورده اند، سالگرد انقلاب را ما نه تنها بعنوان یادبود روزی که رژیم مفسد سلطنت ۲۵۰۰ ساله به زیاده دان تاریخ سپرده شد، بلکه همچنین بهایه طلیعه تحولی بنیادی که باید در حیات اقتصادی-اجتماعی کشورمان انجام گیرد، پاس میداریم .

ما همچون کارگران و زحمتکشان، که استوار و پیکر در سنگر دفاع از انقلاب ایستادمانند، چشم امید به سال پنجم انقلاب داریم، که باید از مناسبت های گرانقدری برای " صاحبان اصلی انقلاب " به همراه داشته باشد .

## زحمتکشان صاحبان اصلی انقلابند

امام خمینی در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی یادگیر بر این نکته تاکید کردند، که این مردم بودند که " آن مجلس های طاغوتی را بهم زدند و یک مجلس اسلامی درست کردند. دست بسیاری را از توی حبسها گرفتند و بیرون آوردند. از تبعیدها، تبعید شدند. آنها را برگرداندند. این ها همه چیزهایی بود که مردم کردند. ما ادعا نمی توانیم بشیم که من گسردم، شما کردی، جامعه کرد. . . . جلو افتادند و جواب

نهایشان را فدا کردند و همه چیزشان را دادند و آن رژیم را و آن کسانی که آن رژیم را تقویت می کردند رفتند و یک جمهوری اسلامی پیسدا شد ."

سپس رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی گفتند:

" اگر ده مرتبه اینطور اتفاق بیفتد که یک عده ای اکثریت هستند، یک چیز بگویند و یک عده هم در اقلیت باشند و چیز دیگری بگویند و آنوقت به شورای نگهبان برود و رد کند، اکثریت را نقض کنند، اگر چندین دفعه اینطور بشود مردم آزاده می شوند. " امام سپس با اشاره به خطر بزرگی که انقلاب را تهدید می کند تصریح کردند: " خصر بزرگ . . . آنست که یک وقتی ملت از حکومت برگردد. " و تاکید کردند که اگر اعتماد مردم از حکومت سلب شود، " آنروز است که برای ما مصیبت پیش می آید، آنروز است که دیگر نه جنگ می تواند پیروز باشد و نه مجلس می تواند موفق باشد و نه دولت. آنجا است که باید فاتحه را بخوانیم ."

این بیانات امام در حقیقت هشدار جدی است به همه کسانی که دلشان برای انقلاب می تپد، هشدار، که انقلاب در خطر است، هشدار، که زحمتکشان که صاحبان اصلی انقلابند اگر از انقلاب روی گردانند دستاوردهای انقلاب جدا بخصر خواهد افتاد . و واقعیت نیز این است که اگر حق مستضعفین از بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران گرفته نشود، اگر به غارتگری " کباخ نشینان " خاتمه داده نشود، " نوبت نشینان " اعتمادشان از انقلاب سلب خواهد شد . " آنروز است که برای ما مصیبت پیش می آید ."

## پیام امام: بیم ها و امیدها

حجت الاسلام شجونی نماینده مردم کرج در مجلس شورای اسلامی در صاحبه با اطلاعات درباره پیام ۸ ماده ای امام می گوید:

" ابعاد این پیام گریبان همه را می گیرد، و مخصوصا به قوه قضائیه توجه دارد . مسئولان ما در دوران انقلاب، اشتباهات زیادی مرتکب شده اند . ما زندانیان بلا تکلیف داریم، زندانیها داریم که مدت محکومیتشان تمام شده، ولی آزاد نشده اند. ما زندانیانی داریم که یا حاکم شرع به آنها ستم کرده و یا ( حاکم شرع ) اصلا وقت آنها نمی یابد که برایشان حکم صادر کنند . در حال حاضر من زندانی ای را سراغ داریم که وقتی به ۵ سال محکومیتش اعتراض کرده، حاکم شرع او را به حبس ابد محکوم کرده است . بعضی حاکم گفته: " تویی گناهی، آزادت می کنم. اما بروم قم و برگردم، تا تکلیف را روشن کنم. " حاکم شرع آمده قم و موقع بازگشت، بخاطر تخلفات زیادش گرفتار عدالت شده است، ولی زندانی مذکور به حالت بیمار در مانده، هنوز در زندان بسر می برد ."

آری، صدها توده ای و فدایی خلق ( اکثریت ) در زندانها بلا تکلیف بسر می برند و هیچ رسیدگی ای بوضع آنها نمی شود . حجت الاسلام شجونی ادامه میدهد:

" اگر دادستان یا حاکم شرع را تنبیه می کنند، تکلیف محکومین آرا آنها چه میشود ؟ من هنوز برای این سوال جوابی از کسی نمی شنیدم، بنده غیر از چند مورد تخلف که اعلام شده، بخيال نمی کنم، کار دیگری تا کنون در پیگیری فرمان امام انجام شده باشد ."

آقای ملک پور نماینده زرتشتیان ایران در مجلس شورای اسلامی میگوید:

" از فرمان امام نتیجه دیگری هم باید گرفت، و آن اینکه مسئولان امر نباید بدانند که کم کاری، سهل انگاری و احتمالا کارهای بیرویه، فراموش می شود، آیا می خواهیم، مثلا در مورد زندگی محرومان جامعه، آنقدر این دست و آن دست کنیم تا باز هم بانک احوالی امام بلند شود ؟ آنچه مربوط به مجلس است، به گمان من، چهار سال کافی است تا مردم بتوانند از ثمرات انقلاب بهره مند شوند. مسائلی از قبیل ملی شدن تجارت خارجی، تعیین تکلیف زمین های بزرگ در روستاها، علاج بیکاری و گرانی و توجه به اجرای همه اصول قانون اساسی، باید حل شود . نباید منتظر باشیم تا امام باز هم خروش بردارند، که یک موی کوخ نشینان به انداز همه کاخ نشینان ارزش دارد . . . ."

آری ادامه پیگیری فرمان ۸ ماده ای امام با بیم ها و امیدهای فراوان همراه است . آیا پیام امام در جهت خدمت به مستضعفین، در جهت خدمت به مستضعفین، در جهت حاکمیت آراش منکی بر قانون، در جهت احیای حقوق ستم دیده ها و تقمین آزادی های سیاسی و اجتماعی، پیگیری خواهد شد و یا در طول زمان به فراموشی سپرده شده و یا حتی در جهت بازگرداندن زمینهای مصادره شده، در جهت تامین " آزادی " غارت و چپاول، از آن سو استفاده خواهد شد ؟

## قانون مالک و مستاجر جوابگوی خواست زحمتکشان نیست

خبرنگار اطلاعات در دادگاه صلح تهران از مادر دردمندی می پرسد:

" برای چه صاحب خانه عذرتان را خواسته است ؟"

با بغضی تلخوار شده میگوید: با وجودیکه ۶ ماه اجاره خانه را با لا برد ما بم پله کرده است که باید در هر ماه ۵ هزار تومان اجاره برای ۲ اطاق بدهیم یا بروم. اما ما که آهی در سباط نداریم حالا آمد ما بم که شاید رئیس دادگاه نگران به ما ظلم شود . ساز او میبرسم که از دولت چه انتظاری داری ؟

میگوید: تنها انتظار ما این است که سیاه بقیه در صفحه ۱۳

# در هفته‌ای که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

نگدارد صاحب‌خانه ما را بیرون کند و بیجا ۲ اطاق برای اقامت در اختیار ما بگذارد. من که شوهر و پسر بزرگم در جیب‌ها هستند اگر بیک شیه بخواهند ما را بیرون کنند دخترهای بزرگم را کجا ببریم... و دیگر نمیتواند ادامه بدهد بغض تلخ‌بار شده در سینه‌اش منفر می‌شود و های‌های به گریه می‌افتد (کودک سه ساله‌اش که اشک مادر را می‌بیند شیون سر می‌دهد...)

(اطلاعات - آدیماه) ۲۰ دیماه گذشته لایحه "مالک و مستاجر" از تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی گذشت. اینک با دسترس به متن کامل لایحه، می‌توانیم مروری بر آن داشته باشیم.

مهمترین بنده در رأی‌دهی این لایحه این است که طبق ماده ۴ آن موجر می‌تواند در صورت عدم پرداخت کرایه توسط مستاجر در عرض ۲۰ روز اناثیه او را به خیابان بریزد.

آقای وزیر مسکن و شهرسازی در جریان بخشهای مجلس درباره این قانون گفت: "اگر این طرح تصویب شود، تخلیه ۲۰ برابر میشود." طرح "لایحه" در مجلس، بخشهای زیادی را پیرامون آن در جامعه و در درون مجلس برانگیخت. از یک سو طرفداران سرمایه‌داری و صاحبان مستغلات تحت عنوان "مردم مختارند" و بیجا تعیین اجاره نامه از طرف دولت سلب آزادی مردم است. علنا به دفاع از غارتگری طفیلی‌وار سرمایه‌داری پرداختند.

از سوی دیگر نمایندگان راستین مردم در مجلس و خود زحمتکشان در بیرون از مجلس به بهترین نحو به جوانب مسأله اشاره کردند و راه

حل آنرا نیز ارائه دادند. آیت الله موسوی اردبیلی نیز در نماز جمعه تهران با اشاره به این مهم گفت: "افرادی به من نامه مینویسند که شما جلوی تخلیه را بگیرید... مگر میتوانیم هر کاری را انجام دهیم؟ قانون مدنی تصریح می‌کند وقتی که مدت اجازه تمام شد و مالک مراجعه کرد، مستاجر باید تخلیه کند." سپس او فریاد بر می‌آورد و می‌گوید: "آخر این مالک تروریست اقتصادی است! او در خانه خود نشسته، دهها مستغلات خالی دارد، نه مالیات می‌دهد و نه اجازه این مردم می‌کشد در نتیجه مظالم اجتماع نه در نتیجه تضییع و نه در نتیجه کم کاری، بلکه در نتیجه اقتصاد غلط و سیاست‌های غلط‌روز بروز بر محرومیت‌نشان افزود. شده، وضع مسکن به شکلی درآمده که می‌ترسند وقت مرگ قبر هم گریه نمایند، این را چه کنیم!؟"

در پاسخ به این سوال که تنها از سوی آیت الله موسوی اردبیلی، یعنی از پیروان راستین خط امام مطرح نمی‌شود، باید گفت که راه بیرون رفت از این فاجعه اجتماعی چهارسال پس از پیروزی انقلاب کوی نشینان علیه کالج نشینان لغو قوانین است که چنین ظلمی را به زحمتکشان و مستاجران روا می‌دارند و تصویب قوانینی است در خدمت محرومان!

## دوستان و دشمنان انقلاب را از هم بازشناسید

صاف دشمنان انقلاب ایران در منطقه روز - بروز فشرده تر می‌شود. امپریالیسم آمریکا و فرانسه و همه مرتجعین منطقه با تمام قوا از رژیم

صدام حمایت می‌کنند. مرتجعین عرب فاشیستیم قیمت نفت را پایین می‌آورند تا به جمع‌بندی اسلامی ایران فشار آورند. جنگ تحمیلی در صد جنگ فرسایشی بدل شده است که از آن بی‌سود عنوان اهرم اعمال فشار بر انقلابیان استفاده می‌کنند. حضور نظامی آمریکا در منطقه افزایش یافته است و...

در چنین شرایطی، تنها پاسخ شایسته به این توطئه‌ها اتخاذ یک سیاست خارجی متناسب و انقلابی است که دوست و دشمن را از هم باز شناسد و عملاً در جهت تقویت جبهه نیروهای ضد امپریالیستی در منطقه کام بردارد.

در هفته گذشته نامهای مثبت چندی در جهت نزدیکی به جبهه، پایداری برداشته شده است که قبلاً نیز درباره آن صحبتی داشتیم. ابتدا در همین حال پدیده‌های نثرانی آوری تیسز مشاهده می‌شود که معانی مصالح انقلاب است. از جمله باید ادامه سیاست نادرست در میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و سیاست "روابط مودت آمیز" (۱) با پاکستان و ترکیه را نام برد. بار دیگر وزیر از طرف دار و دسته نظامی حاکم بر ترکیه به تهران آمدند و حتی صحبت از این میان آمد که مسیادلات اقتصادی با ترکیه ۲۰ درصد افزایش داشته است!

ترکیه و پاکستان حیران انقلاب ما را نمی‌خندند این دو رژیم متحد امپریالیسم در منطقه و پایگاه توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب ما و سایر انقلابیاتی‌های بخش، مانند انقلاب افغانستان هستند. نمی‌توان با لیبی، سوریه و یمن، دموکراتیک، سیاست خارجی هماهنگ (آقای ولایتی) داشت و در همین حال با ترکیه "روابط مودت آمیز" (باز هم آقای ولایتی) مقایسه با توطئه‌های امپریالیسم اتخاذ یک سیاست خارجی ضد امپریالیستی را ایجاد می‌کنند. دوست را از دشمن باز شناسید.

## داستان کوتاه‌نانی که آجرشد

بقیه از صفحه ۱۴

تمام این مسائل (کارگری) مستهل هستند... و همان کارگر اصفهانی نیز خاطر نشان کرد: "پس از انقلاب همه کارگران حزب اللهی چشم امید و انتظار به قانون کار دارند. امید داریم دو میلیون کارگر ایرانی با تصویب این قانون اسلامی خوشحال شوند. اما نباید آن روزی که زلزله (۱) در این کارگران حزب اللهی بیافتد."

آن که تصور می‌کند با "شیرین" زبانی می‌تواند "نان" این کارگران را "آجر" کند، باید خیلی زرنگ باشد و همان طور که زندگی از جمله در مورد قطب زاده و بی‌صدر، نشان داده است، آدم‌های خیلی زرنگ، جوانمسرگ می‌شوند!

## همکاران آمریکا داعیه انقلابی‌گری دارند!

طارق عزیز که از "روابط عالی" با مجاهدین صحبت میکند در همین صحابه با لوموند به دادن "کک مادی" به مجاهدین اعتراف می‌کند و می‌گوید: عراق دارای "روابط عالی" با همه جناح‌های دیگر اپوزیسیون (علیه رژیم انقلابی ایران) از جمله با مجاهدین خلق است و یادامه می‌دهد: "ترجیح می‌دهیم در مورد آن که آیا ما به آنها کک مادی هم می‌کنیم یا نه سکوت کنیم چون ممکن است باعث درد سرشان بشود!! این است عاقبت آنها که راه خیانت به خلق و انقلاب را انتخاب کرده‌اند. آیا نیروهای صادقی که به دام رهبری‌خائن در سازمان مجاهدین افتاد مانده‌اند، خطر را خواهند شنید؟"

خبرنگار لوموند در صحابه ای از طارق عزیز، معاون صدام که به پاریس سفر کرده بود، سوال می‌کند: لوموند - آیا رژیم شما با ثبات است یا نه؟ بعضی مخالف رسمی ایالات متحده تردید‌هایی در این مورد ابراز می‌دارند. طارق عزیز روشن است که دولت آمریکا چنین ارزیابی نمی‌کند. دلیل آن است که آمریکا و می به مبلغ ۴۶۰ میلیون دلار با نرخ بهره پائین، جهت خرید گندم، برنج و جو به ما داده است. همکاری ما با ایالات متحده در همه عرصه‌ها دائماً روبه گسترش است. همه چیز حاکی از آن است که واشنگتن هیچگونه تردیدی در مورد آینده ما ندارد. صدام حسین ظاهراً از همین "وام واشنگتن" به سازمان مجاهدین "کک میکند."

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# امام، با پیام وحدت برای مبارزه با آمریکا، آمد

بقیه از صفحه ۲

چگونه بر بنیاد خط انقلابی خود این سه هدف عمده انقلاب یعنی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را ترسیم میکنند.

— ما در مقابل آمریکا تا آخر ایستاد هائیم و نخواهیم گذاشت آمریکا برگردد. ( امام خمینی )  
 " هان ای مظلومان جهان ! از هسر قشر و از هر کسوری که هستید به خود آید و از هیا هو و عریده آمریکا و سایر زورمندان تهی مغز نهراسید و جهان را به آنان تنگ کنید و حقیق خود را با مشت گره کرده از آنان بگریید. ( امام خمینی )

— به همه مردم بگویید ما نه طرفدار فتودالها هستیم و نه طرفدار سرمایه دارها. ( امام خمینی )  
 " وضع در ایران بصورتی بوده است که حقوق کارگران و رعایا را سرمایه داران بزرگ و مالکین بزرگ برد هاند و امروز هم دارند می برزند. بدین جهت آنان مالک کارخانه ها و زمینهای خود نمی باشند. ما همه آنان را به پای میز محاکمه می کشیم، ما بعلک سرمایه آنان را مورد بررسی قرار می دهیم و حقوق همه مردم محروم را کنیم عمری است مالکین بزرگ و سرمایه داران بزرگ خورده اند به محرومین باز پس داده می شود. ( امام خمینی )

— اسلام بیش از هر دینی و پیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهبی آزادی داده است. در جمهوری اسلامی کونیستها نیز در بیان عقاید خود آزادند. ( امام خمینی )



میلیونها تن از مردم در سراسر مملکت، به این پیام، به این پرتابه مبارزات مرحله جدید، با مشت های گره کرده، با هلهله از دل و جان برخاسته، با غریو رزمی خود پاسخ مثبت دادند. حزب توده، ایران نیز از همان آغاز در میان جنجال گوشخراش چپ روها و چپ نماها عناصر عمده و تعیین کننده را در این خسب تشخیص داده و همواره از خط ضد امپریالیستی و مردمی آن پشتیبانی کرده و میکند.

دستاوردهای انقلاب در جهت آماج عمده آن بدون تردید قابل توجه است، ولی با کمال تأسف باید گفت که یکنان نیست. در حالیکه در جهت برانداختن نظام استبداد سلطنتی و محدود ساختن تسلط غارتگرانه امپریالیستها کامیابی های دامنه داری بدست آمده است، اما هنوز در زمینه تامین واقعی آزادی برای محرومان جامعه که رهائی از غارتگری و بهره کشی اقتصادی پایه اساسی آن است و همچنین دگرگونیهای بنیادی بسود محرومان جامعه گام مهمی برداشته شده است.

امروز پس از ۴ سال، امام یار دیگر در فرمان ۸ ماده ای خود مسئولان تمام ارگانها و نهادها انقلابی را بر اجرای قاطعانه قوانین بنیادی فرا میخواند، اما هنوز پس از چندین هفته از صدور این فرمان نمی توان از آن صحبت کرد که آنچه هدف این فرمان تاریخی بوده است تحقق یافته است.  
 سخنان امام را بیاد بیاوریم که گفت: " من هر

روزی که از این انقلاب میگذرد توجه به این امر بیشتر میکنم که ملت، انقلابی عمل کردند و ما نکردیم، و یا مقصریم و یا قاصر، و در هر دو جهت در پیشگاه ملت جواب باید بدهیم. ما بسا بی تجربگی آن کارهای انقلابی را که باید در اول انقلاب بشود یا مسامحه گذرانیم و همان مسامحه موجب شد که این گرفتاریها را تا حالا پیدا کردیم و از این به بعد هم داریم مگر انقلابی جبران کنیم. "

## داستان کوتاه نانی که آجر شد

وی در ادامه " مزه " اش در مورد کارفرمای بی دین می گوید: " اگر ( کارفرما ) دین نداشته باشد، در آن صورت پول را دوست دارد ( بر خلاف کارفرمای دین دار، که پول را دوست ندارد! ) در نتیجه تا دم مرگ هم حاضر نیست از پول خود ( ! ) صرف نظر کند توجه می کنید. آقای وزیر کارفرما حتی پول کارفرمای بی دین را هم محترم می داند و از " پول خود " و نه خون شیشه شده کارگران صحبت می کند! حالا خود شما قضاوت کنید، که آیا کارگر اصفهانی حق نداشته است از " شیرین " زیاده آقای توکل صحبت کند؟ همانطور که حامیان آقای توکل صحبت کنند دارند نه دلشان از شیرین زبانی آقای توکل قند آب بشود، که او چگونه سر کارگر را گرم می کند و " جواب " دلبره آنها را از فقدان بیمه بازنشستگی و بی کاری یا یک " شیرین " زبانی می دهد.

اما راستگرایان و عاملینشان کور خوانده اند با " شیرین " زبانی نمی توان خاک به چشم کارگران ریخت. در همان جلسه کارگری خطاب به آقای وزیر گفت: " آقای توکل شما در برابر بقیه در صفحه ۱۲

دلبره کارگر را از دوران پیری و ضعف، بیی - خانمانی و در پیری و فقدان درآمد بر طبرف می سازد و از او یا کامی " شیرین " شده دعوت می کند، که در جلسه بعدی " پریش و پاسخ " با آقای وزیر، کام خود را باز هم " شیرین " تر کند و برای خاطر جمع کردن کارگر از تا میسن دوران پیری تا لحظه مرگ می گوید: " اما در مورد کارفرمای که میخواهد کارگاه خود را تعطیل کند این کارفرما یا دین دار است یا دین ندار " و آقای وزیر ته دلش می گوید: " ایسن کارگر بی شعور این مسئله به این ساق راه نرفته است " و نتیجه می گیرد که " اگر ( کارفرما ) دین نداشت باشد، حاضر نمیشود نان عدای را آجر کند " ( ! ) به زبان ساده و حرف آقای وزیر یعنی آن که این کارگر نیست، که با کار با زوان خودشان خود و خانواده اش را تامین می کند، بلکه این کارفرما است که نه قصد استثمار کارگر و یا پول دوستی از او کار می کشد، بلکه قصد " عابدانه " اش از کارگاه داشتن آن است، که به کارگر " نان " بدهد، و چون " مسلمان " هم است و پول را هم دوست ندارد، این " ننان " را بیستن کارگاه خود " آجر " نمی کند.

آقای توکل، وزیر کار ۱۰۱۰ که در بیسن کارگران به وزیر " شیرین " زبان معروف شده است، در جلسه " نمایندگان شوراها و انجمن های اسلامی با احمد توکل " ( کیهان ۱۸ آبان ۶۱ ) آنقدر " مزه " انداختند که، کارگر اصفهانی مجبور شد خطاب به او بگوید: " ما از پس زبان شیرین شما بر نیائیم. " یکی از این " مزه " ها، که به معصرف " شیرین " زبانی آقای توکل تبدیل شده است پاسخ های وزیر به یک کارگر است. این کارگر با دلبره از دوران پیری، که به کمک آقای وزیر قرار است از حقوق بیمه بازنشستگی ای که در قانون اساسی برایش تضمین شده است، هم محروم شود، سوال می کند: " مساله دیگر اینکه اگر کارفرمایی پس از بیست سال کار خسته شد و بخواهد کارگاه خود را ببندد، در آن صورت تکلیف کارگر پس از سالها کار و تلاش چه خواهد شد؟ " در پاسخ آقای وزیر با یک " مزه " تمام

(۱) این داستان را ما هرچه گشتیم در فصلهای بعدی این پیدای کردیم!

### رسوخ اقتصادی از طریق واسطه‌ها - يك تاختيك امير ياليسى :

بقیه از صفحه ۱

برقراری مناسبات اقتصادی با آنها داد سخن می داد ، سازند .

ما برآنیم که مناسبات جمهوری اسلامی ایران با تمام همسایانیش باید بر اساس سیاست حسن همجواری استوار باشد ، و در حد متناسب با آنها مناسبات تجاری ، بازرگانی و اقتصادی داشته باشد . و این نه تنها در مورد همسایان ، که در مورد تمام کشور های جهان صادق است . منتهی بر این روابط باید معیارهای سنجیده و واقع‌بینانه حاکم باشد و این مناسبات در جهت پیشرفت اقتصادی و تأمین استقلال مبین ما عمل کند . گسترش بی‌رویه مناسبات اقتصادی با کشورهای نظیر ترکیه و پاکستان که به قطع وابستگی اقتصادی کشور ما کمک نمیکند ، بلکه آنها تداوم میبخشد و تشدید هم میکند .

انتقاد بر گسترش تاسنجید ه مناسبات اقتصادی با ترکیه و پاکستان ناشی از دو دلیل عمده است . اولاً ترکیه و پاکستان بهانه‌ها و دوشور دست نشانده امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در منطقه ، در نتیجه رسوخ گسترده انحصار عمومی امپریالیستی در اقتصاد شان میتوانند به عنوان واسطه تداوم حضور انحصارهای

سرسپرد ه به امپریالیسم است که از تمام اهرمهای سیاسی - اقتصادی برای تشدید وابستگی کشورهای خود به انحصارهای امپریالیستی استفاده میکنند . ثالثاً بخش دولتی و خصوصی اقتصاد ما قادر بر رقابت با انحصارهای آمریکائی آلمانی و یا بازار مشترک و ژاپن که در اقتصاد پاکستان و ترکیه فعال هستند نیست .

در عرصه سمت گیری مناسبات اقتصادی با جهان خارج باید بر اساس معیار و ملاک های عینی تصمیم گرفت . مرز بندی در این عرصه مانند تمام عرصه های دیگر نمیتواند بر پایه معیارهای ذهنی انجام گیرد . استقرار مناسبات اقتصادی با سایر کشورها باید فارغ از ملاک های احساسی باشد و باید منافع استقلال سیاسی و اقتصادی کشور رادر نظر گیرد . باید از ظرفیت عظیم صنعتی و کشاورزی ارد و گاه ضد امپریالیستی جهانی و از جمله کشورهای سوسیالیستی که میتوانند نیازهای ما را برای شالوده ریزی يك اقتصاد ملی مستقل در تمام جهات برآورد ه سازند ، بهره گرفت .

فرجام گسترش بی‌رویه مناسبات اقتصادی با پاکستان و ترکیه اینست که پس از گذشت چند سال کشوری خواهیم بود که هر چند با امپریالیسم آمریکا مستقیماً مناسبات اقتصادی ندارد ، ولی اقبال " مسلمان " آن در اقتصاد و بازرگانی خارجی ما نفوذ کرده اند . از این فرجام ، از هم اکنون باید با روشن بینی بهره‌بریم .

بعضوان واسطه فروش کالا های آمریکائی ، آلمانی ، انگلیسی و غیره ، البته بنام تولیدات پاکستان یا ترکیه عملی کنند . وابستگی اقتصاد ما ، البته این بار زیر پوشش رابطه با کشورهای " اسلامی " تداوم میابد و انحصارهای امپریالیستی همچنان بازار ما را در اختیار خود خواهند داشت .

متأسفانه باید گفت انقلاب بزرگ مردم ایران در چهارمین سال زندگی خود ، هنوز نتوانسته است مسئله سمت گیری درست در مناسبات اقتصادی با جهان خارج را حل کند . هنوز هم کشورهای امپریالیستی ، عمده ترین کشورهای صادر کننده کالا به ایران هستند . هم مستقیم و هم غیر مستقیم توسط کشورهای مانند ترکیه و پاکستان . برخی مدعیند که توسعه مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای مثل ترکیه و پاکستان ، به استقلال این کشور و دوری آنها از امپریالیسم جهانی کمک میکند . این استدلال نمیتواند ستاره راهنمای مناسبات اقتصادی ما با کشورهای خارج باشد .

علت اینست که این کشورها اولاً در نتیجه وابستگی و عقب ماندگی اقتصادیشان در مناسبات اقتصادی با ایران بیشتر پوششی هستند برای نفوذ مخرب انحصارهای امپریالیستی در کشور ما . ثانیباً حاکمیت سیاسی این کشورها در اختیار رژیم های

امپریالیستی در اقتصاد کشور ما عمل کنندو حتی دوشورهای اضافی در نتیجه دلالتی و واسطه گیری بیافزایند . ثانیاً کشور ما برای بی ریزی يك اقتصاد مستقل و شکوفان ، نیازمند پایه گذاری صنایع سنگین و مادر است و باید در چارچوب بخش دولتی به صنایع سنگین مادر اولویت بد هد . اما ترکیه و پاکستان و دیگر کشورهای مسلمان که که در ماده ۲ قانون دولتی شدن بازرگانی خارجی به آنها اشاره شده عملاً قادر نیستند در این زمینه کمک و یاور ما باشند ، زیرا این دو کشور خود دارای اقتصاد فوق العاده عقب مانده هستند .

دورژیم کودتائی ترکیه و پاکستان ، علی رغم داعیه اسلامی بودن ، در زمره " مسلمانان " وابسته به امپریالیسم هستند . در جریان اقتصاد این کشورها خون آلوده با رسوبات استعمار امپریالیستی جاری است و ثروت مردم محروم این کشورها به جیب انحصارهای امپریالیستی و بخصوص انحصارهای فروشنده سلاح های جنگی ریخته میشود . اینان به علت وابستگی سیاسی ، نظامی و اقتصادی خود به امپریالیسم نمیتوانند با هیچ کشور دیگری مناسبات سالم اقتصادی برقرار کنند . در پاکستان و ترکیه مناسبات مبتنی بر استثمار سرمایه داری ، در درجات مختلف رشد در کنار بقایای فئودالیسم وجود دارد .

انحصارهای آمریکائی که در پاکستان یا در ترکیه به فعالیت مشغولند ، بخشی از تولیدات خود را به نام تولیدات پاکستان یا ترکیه به کشور ما می فروشند .

امپریالیسم آمریکا با يك تیر و نشان میزند . از یکسو با تحریم اقتصادی ایران ، مشکلات جدید اقتصادی برای کشور ما ایجاد میکند . از سوی دیگر گسترش مناسبات اقتصادی ایران با پاکستان و ترکیه و کشورهای نظیر آنها مسبب میشود که این کشورها

## پیمانکار جدید کیست؟

در نظر دارند ادامه کار قطع شده توسط " شریک " ژاپنی را به شرکت های کره جنوبی محول سازند . (راه توده شماره ۲۶ ، هشتم بهمن ۶۱) یعنی ایران را از چاله وابستگی به " شریک " سرمایه دار ژاپنی به چاله سرمایه دار وابسته کره جنوبی بیاندازند . آیا عدم ذکر نام " پیمانکار جدید " در اثر سهل انگاری است؟ بهر جهت باید توجه داشت که سهل انگاری و یا " مخفی کاری " و " سانسور " اخبار در مقابل خلق هم بسا بیان امام خمینی ، که خواستار پخش اخبار به صورت اولیه و کامل آن شده بودند ، در تضاد است و هم به حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی و رسانه های گروه معدود و مجاز آن لطمه می زند !

" موافقتنامه تکمیل پروژه قسمتی از محوطه سازی و تأسیسات بندر امام خمینی که يك شرکت اسپانیائی بنام " کامینوس " انجام می شد و دلیل ترك کار از سوی پیمانکار مزبوطه بحالت بیروز جنگ تحمیلی تعطیل شده بود به مبلغ يك میلیارد ریال بین مدیر عامل سازمان بنادر و گشتیرانی و پیمانکار جدید به امضا رسید . " (کیهان ۲۸ دیماه ۶۱)

متأسفانه در این خبر نام " پیمانکار جدید " ذکر نشده است .

با اخباری که اخیراً در مورد گوشش برای اتمام " پروژه پتروشیمی بندر امام خمینی " در روزنامه ها درج شد ، عدم ذکر نام " پیمانکار جدید " در مورد " محوطه سازی و تأسیسات بندر امام خمینی " سوال بر انگیز است .

در مورد " پروژه پتروشیمی " مقامات مسئول

کشورهای امپریالیستی رژیم سابق شاهنشاهی ایران بود که همدست چپا ولگران غربی را برای غارت بی بند و بار آزاد گذاشت و هم خود تا آنجا که میتواند چابید . نمونه های نظیر آنرا امروز در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین هم به آسانی میتوف با انگشت نشان داد . اما با وجود تمام این جنایات و غارتگری ها ، اقتصاد کشورهای امپریالیستی روز بروز بیمارتر میشود . و این چیزی نیست جز ورشکستگی اقتصادی و معنوی امپریالیسم بین المللی .

## ورشکستگی اقتصادی و معنوی امپریالیسم

بقیه از صفحه ۹

جرم این غارتگری میشوند که اعمالشان هیچ وجه مشترکی با منافع خلقهای کشورهای " جهان سوم " ندارد . عبارت دیگر کشورهای غربی از سازمانها گانگستری عظیمی حمایت میکنند که در مقایسه با آنها ما فایا يك کارگاه کوچک صنعتی است ! یکی از نمونه های این دزدان غارتگر حاکم مورد حمایت



# ضیاء الحق دوست ریگان یادوست جمهوری اسلامی ایران

در سرمهائی از تیتراها و مطالب روزنامه های ایرک  
در باره سفر زرنال ضیاء الحق، کودتاجی مسلمان  
و همسایه ج ۱۰۱۰، به آمریکا

در جریان سفر اخیر زرنال ضیاء الحق به آمریکا،  
وی اعلام کرد:

"گمک ۳/۲ میلیارد دلاری آمریکا به دولت پاکستان  
مبنای روابط محکم و پایدار آمریکا و پاکستان  
قرار گرفته است."

وی همچنین اشاره کرد: "پاکستان خواهان  
تحکیم روابطش با آمریکا است و اظهار امیدواری  
کرد که پاکستان در چارچوب قرارداد تسلیحاتی  
سال ۱۹۸۰ با آمریکا، هواپیماهای پیشرفته  
(اف ۱۶) را با تجهیزات مناسب از این  
کشور دریافت کند."

ریگان به ضیاء الحق اطمینان داد که:  
"سه میلیارد و دو صدم میلیون دلار کمک اقتصادی  
و نظامی طرف شش سال به پاکستان تحویل داده  
می شود."

البته لازم به یادآوری است که:

"طبق قرارداد منعقد شده بین پاکستان و آمریکا،  
در سال ۱۹۸۰ قرار شد که واشنگتن طرف ۶  
سال سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار اسلحه از  
جمله ۴۰ فروند هواپیمای جنگنده "اف ۱۶"  
به پاکستان بفروشد."

ضیاء الحق در جواب سخنان ریگان گفت:

"پاکستان از مساعدتهای آمریکا برای مقابله با  
بحرانهای جنوب آسیا استقبال می کند."

ریگان گفت:

## اطلاعیه

خوانندگان و علاقمندان "راه توده" میتوانند  
نشریه "راه توده" و همچنین کتب منتشر شده از  
طرف حزب توده ایران را از کتابفروشی های کشور  
های مختلف تهیه نمایند.

از این رو ما از شماره آینده آدرس این کتابفروشی  
ها و روزنامه فروشها را برای راهنمایی این دوستان  
درج خواهیم کرد.

همچنین آدرسهای در کشور های مختلف در  
نظر گرفته شده است، که وسیله نزدیکی بیشتر  
خوانندگان و علاقمندان با "راه توده" باشد.  
لازم به تذکر است که این آدرسها در وحله اول  
به منظور ایجاد ارتباط خوانندگان با مسئولین  
توزیع نشریه راه توده و یا کتب منتشر شده در

# سیاهامور جلوگیری از تشکیل جبهه مشترک کشورهای در حال رشد

دسته از کشورهای انجام گیرد که موضع ضد -  
آمریکایی دنبال میکنند. از این جمله اند، هند،  
کوبا، نیکاراگوئه، ویتنام، ایران، لیبی، جمهوری  
دمکراتیک خلق یمن، اتیوپی، آنگولا، موزامبیک،  
الجزایر و ماداگاسکار، عملیات ویژه "حرف رمزی"  
است که وظایف، قتل شخصیت های سرشناس، تحرک  
به جنگ منطقه ای ایجاد درگیریهای قومی و نژادی  
خرابکاری اقتصادی و سازماندهی کودتاها را  
تعیین میکند. دولت آمریکا طبق این برنامه  
سیاهامور جلوگیری از تشکیل جبهه مشترکی  
از کشورهای در حال رشد که برای مقابله با  
مطامع سوید جویانه آمریکا باید ایجاد شود، کرده  
است. این سند حاوی نقشههایی علیه استقلال  
هند و غیر نظامی کردن منطقه اقیانوس هند است.

روزنامه هندی "پاتریوت" سند سری مهم  
در باره عملیات بی ثبات سازی اوضاع مناطق مهم  
استراتژیک جهان را افشاء کرد. در این سند  
که بنا به نوشته روزنامه فوق الذکر در اختیار دولت  
هند قرار دارد، اهداف استراتژیک آمریکا در  
جهان بدین شکل عنوان شده است: "ما باید  
در نقاط کلیدی استراتژیک جهان، منطقه دریای  
کارائیب، مدیترانه، آفریقای جنوبی، اقیانوس آرام  
و هند، دریای سرخ و خلیج فارس و تمام مناطقی  
که دارای مواد خام مهمند حاکمیت سیاسی خود  
را احیا کنیم."

بنا به نقل روزنامه پاتریوت، برای انجام این  
کار میبایست شیوههای متعددی از جمله "عملیات  
ویژه سیا" بکار گرفته شود. طبق این سند این  
عملیات خرابکارانه در درجه اول باید علیه آن

# پیروزیهای جدید فآر ابوند و مارتی در السالوادور

رزمندگان جبهه آزاد بیخشم ملی (فآر ابوند و  
مارتی) در السالوادور حملات خود را علیه  
مواضع نظامی رژیم در هفت استان از مجموع  
چهارده استان کشور طی هفته گذشته تشدید  
نموده و به موفقیت های چشمگیری نائل آمدند.  
بموجب اطلاع خبرگزاریها، پنج هزار نفر از سربازان  
رژیم به محاصره رزمندگان جبهه آزاد بیخشم ملی  
در آده اند. سه شهر از استان مورازان طی  
هفته گذشته آزاد گشته است. بموجب گزارش

رزمندگان جبهه آزاد بیخشم ملی (فآر ابوند و  
مارتی) در السالوادور حملات خود را علیه  
مواضع نظامی رژیم در هفت استان از مجموع  
چهارده استان کشور طی هفته گذشته تشدید  
نموده و به موفقیت های چشمگیری نائل آمدند.  
بموجب اطلاع خبرگزاریها، پنج هزار نفر از سربازان  
رژیم به محاصره رزمندگان جبهه آزاد بیخشم ملی  
در آده اند. سه شهر از استان مورازان طی  
هفته گذشته آزاد گشته است. بموجب گزارش

از میان بر خواهیم داشت.

وی همچنین ضمن دفاع از پنج سال حکومت نظامی  
در پاکستان گفت: "بنیاد یک حکومت دمکراتیک  
در پاکستان گذاشته شده است." وی همچنین  
ادامه داد که "سرکوبی برخی از فعالیتهای  
سیاسی و جلوگیری از بعضی از آزادیهای مدنی  
در پاکستان از مشخصات یک دولت خوب به  
حساب می آید."

باز هم می پرسید: چرا ما مخالف روابط مودت  
آمیز و دوستانه "ایران انقلابی با پاکستان  
آمریکای زده هستیم؟

"آمریکا به کمک کردن به پاکستان افتخار و از  
نقش دولت ضیاء الحق برای برقراری صلح در  
جنوب آسیا و خاور میانه ستایش می کند."

ضیاء الحق ضمن دیدارهایی با صاحبان صنایع  
و بانکهای آمریکائی، جورج شولتز وزیر خارجه  
و همچنین اعضای کمیسیون های امور خارجه  
آمریکا مذاکراتی انجام داد و اعلام کرد که:

"ما تمام مشکلات برای سرمایه گذاری خارجی را

کشور مربوطه است.

از جوانندگان و علاقمندان "راه توده" خواهش  
میشود که کماکان مقالات، نامه ها و یا سوالات  
خود را که مربوط به هیئت تحریریه میباشد،  
از این پس نیز به آدرس نشریه در فرانکفورت،  
آلمان فدرال ارسال دارند.

"راه توده" و نشریات حزب توده  
ایران را در انگلستان از آدرس  
زیر بخواهید:

RAHE TUDEH  
P. O. BOX 374  
LONDON W13 9 SB

RAHE TUDEH

No. 27

Friday, 4 Feb. 83

راه  
توده

Address: Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1 DM	Italy 350	L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40	Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 2	Skr.